

# یک روز در خانه پیامبر ﷺ

مؤلف :

عبدالملك القاسم

مترجم :

عبدالقادر ترشابی

## فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۵.....	مقدمه مترجم.....
۶.....	مقدمه مؤلف.....
۹.....	دیدار.....
۱۲.....	سفر.....
۱۴.....	شکل و شمایل پیامبر ﷺ.....
۱۵.....	سخن گفتن پیامبر ﷺ.....
۱۷.....	داخل خانه.....
۱۹.....	خویشاوندان.....
۲۲.....	پیامبر ﷺ در خانه اش.....
۲۵.....	سیرت و صورت پیامبر ﷺ.....
۳۰.....	دختران پیامبر اکرم ﷺ.....
۳۴.....	رفتار با همسر.....
۳۷.....	چند همسری (تعدد زوجات).....
۴۱.....	شوخی رسول خدا ﷺ.....
۴۴.....	خواب نبی اکرم ﷺ.....
۴۷.....	شب زنده داری.....
۴۹.....	بعد از نماز صبح.....
۵۰.....	نماز چاشت.....
۵۰.....	خواندن نمازهای نفل در خانه.....
۵۱.....	گریه کردن نبی اکرم ﷺ.....
۵۳.....	تواضع نبی اکرم ﷺ.....

- ۵۶ ..... خدمتگزار نبی اکرم ﷺ
- ۵۹ ..... هدیه و مهمان نوازی
- ۶۲ ..... شفقت و مهرورزی رسول خدا ﷺ به کودکان
- ۶۸ ..... صبر و بردباری
- ۷۴ ..... غذای رسول الله ﷺ
- ۸۰ ..... دفاع از آبروی دیگران
- ۸۲ ..... کثرت ذکر خداوند متعال
- ۸۳ ..... همسایه
- ۸۴ ..... برخورد خوب
- ۸۵ ..... ادای حقوق
- ۸۶ ..... شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ
- ۹۰ ..... دعای رسول خدا ﷺ
- ۹۳ ..... پایان ملاقات
- ۹۵ ..... لحظات خداحافظی



## مقدمه مترجم

در یکی از سفرهایم به سرزمین وحی، طبق عادت همیشگی ام سری به کتابفروشیهای آنجا زدم و تعدادی کتاب خریدم. یکی از کتابهایی که مرا بسوی خود کشید و توجهم را جلب نمود، همین کتاب بود. زیرا یک روز در خانه پیامبر بودن، آرزوی هر مسلمانی است. لذا به سرعت آن را مطالعه نمودم و چون کتاب را بسیار مفید یافتم، تصمیم گرفتم آن را به زبان فارسی برگردانم تا مورد استفاده فارسی زبانان محترم قرار گیرد. همانجا ترجمه اش را آغاز نمودم و بیشترش را ترجمه کردم. وبعد از اتمام سفر، ترجمه اش را به پایان رساندم. امیدوارم خداوند عز و جل این عمل ناچیز را از بنده بپذیرد و روز قیامت در ترازوی نیکبایم قرار دهد.

عبدالقادر ترشابی



## مقدمه مؤلف

بیشتر مردم این زمان، در افراط و تفریط بسر می‌برند. برخی درباره پیامبر اکرم ﷺ دچار افراط شده‌اند. گروهی دیگر هم به اندازه‌ای دچار تفریط شده‌اند که اخلاق و سیرت گهربار نبی رحمت ﷺ را به فراموشی سپرده‌اند و از آن به عنوان اسوه و الگو استفاده نمی‌کنند. از آنجایی که بنده می‌خواستم سیرت و جزئیات زندگی مبارک رسول الله ﷺ را با اسلوبی آسان به عموم مسلمانان تقدیم کنم و آنان را با این پرچم هدایت آشنا سازم، گوشه‌هایی از صفات و ویژگیهای اخلاقی نبی اکرم ﷺ را بر اساس نیاز مردم گلچین نمودم و این چند صفحه را که هر چند مقصودم را برآورده نمی‌سازد، به رشته تحریر درآوردم و برای بیان هر خصلت، به ذکر دو یا سه حدیث اکتفا کردم. حقا که حیاتش، حیات امت، حیات دعوت و حیات بشریت بود. آن حضرت ﷺ در طاعت و عبادت، اخلاق و رفتار و بزرگواری، یک امت بود. همین کافی است که خداوند ﷻ درباره اش می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿۴۰﴾﴾ [قلم: ۴۰] یعنی: «تو دارای اخلاقی بزرگ و پسندیده هستی».

اهل سنت و جماعت، همان منزلتی را برای رسول خدا ﷺ قایلند که خداوند به او عنایت کرده است. آنان، او را بنده، رسول، دوست و برگزیده خدا می دانند، او را بیشتر از پدران و فرزندان و بلکه بیشتر از خودشان دوست دارند، ولی افراط و زیاده روی نمی کنند؛ بلکه به همان منزلتی که خداوند به ایشان عنایت کرده است، کفایت می کنند.

ما هم در همین مسیر حرکت می کنیم. جشن میلاد نمی گیریم، بلکه او را دوست داریم، از دستوراتش اطاعت می کنیم، سخنانش را تصدیق می نماییم و از آنچه که از آن نهی نموده است، اجتناب می ورزیم.

فمبلغ العلم فيه أنه بشر      و أنه خير خلق الله كلهم  
 أغرّ عليه للنبوة خاتم      من نور يلوح و يشهد  
 و ضم الله اسم النبي إلى اسمه      إذا قال في الخمس المؤذن أشهد  
 و شق له من اسمه ليجله      فذو العرش محمود و هذا احمد

«نهایت علم در مورد پیامبر ﷺ این است که او، بشر و بهترین مخلوق خداوند است و از نور، زیباتر می باشد و مهر نبوت که آشکار است و به پیامبریش گواهی می دهد، بر او زده شده است. خداوند، نام او را در کنار نام خودش قرار داده است؛ چنانچه مؤذن در اذانهای پنجگانه، نام او را در کنار نام خدا یاد می کند. همچنین خداوند، نام او را به خاطر

بزرگداشتش از نام خود مشتق نموده است؛ چراکه صاحب عرش، خداوند متعال، ستوده و محمود است و او، احمد نام دارد».

اگر چه گذشت زمان، میان ما فاصله انداخته و نتوانستیم محبوبان را ببینیم، اما از خداوند ﷻ می خواهیم ما را در زمره کسانی قرار دهد که رسول خدا ﷺ درباره آنان فرموده است: «دوست داشتم برادرانمان را می دیدیم». صحابه ﷺ گفتند: ای رسول خدا! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: «شما یاران من هستید. برادران ما، آن کسانی هستند که هنوز نیامده اند». گفتند: کسانی را که هنوز نیامده اند، چگونه می شناسی؟! فرمود: «اگر فردی در میان یک گله اسب سیاه، اسبهایی داشته باشد که پیشانی و دست و پایشان سفید است، آیا اسبهایش را نمی شناسد؟» گفتند: بلی ای رسول خدا! فرمود: «آنان در حالی نزد من می آیند که چهره و دست و پای آنان بر اثر وضو، سفید است و من، آنها را از حوض کوثر آب می دهم». [روایت مسلم]

همچنین از خداوند ﷻ می خواهیم که ما را در زمره پیروان راستین سنت و سیرت او قرار دهد و نیز از خداوند ﷻ مسألت می نمایم که ما را در بهشت جاویدان، در کنار او جای دهد و به پاس خدماتش، بهترین پاداشها را به او عنایت فرماید.

عبدالملک بن محمد بن عبدالرحمن القاسم

## دیدار

چندین قرن به عقب بر می گردیم و صفحات گذشته تاریخ را ورق می زنیم، به مطالعه آن می پردازیم و درباره آنچه در لابلای صفحات تاریخ نوشته شده، فکر می کنیم و از طریق حروف و کلمات، برای دیدار رسول الله ﷺ به خانه اش می رویم؛ به خانه اش وارد می شویم تا اوضاع و احوالش را از نزدیک ببینیم و سخنانش را بشنویم. فقط یک روز در خانه نبوت می مانیم تا از درسها و اندرزهایش استفاده کنیم و از سخنان و اعمالش، مستفیض شویم.

امروزه دروازه های شناخت به روی مردم باز شده است؛ چرا که بسیار مطالعه می کنند و توسط کتاب، نشریات، فیلم و مستندهای تلویزیونی به دیدن شرق و غرب دنیا می روند. در حالی که ما، سزاوارتریم که به دیدن خانه نبی اکرم ﷺ برویم و به معارف و مشاهداتمان بطور جدی عمل کنیم و چون وقتمان، کم است، فقط به موضوعات خاصی در خانه اش می پردازیم شاید بتوانیم خود و خانه هایمان را اصلاح نماییم.

برادر و خواهر مسلمانم! ما تنها به خاطر شنیدن آنچه از دیدگانمان پنهان مانده است و به منظور شناختن حال گذشتگان، سالها و قرنها به عقب بر نمی گردیم؛ بلکه با خواندن سیرت رسول اکرم ﷺ و پیروی از سنتش و گام نهادن در راه آن حضرت ﷺ به عبادت خدا می پردازیم و



از دستور خداوند ﷻ مبنی بر محبت به رسول الله ﷺ اطاعت می کنیم. یکی از مهمترین علامات محبت به آن حضرت ﷺ، اطاعت از دستوراتش و اجتناب از منہیاتش و تصدیق سخنانش می باشد. خداوند ﷻ می فرماید: ﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾ [آل عمران: ۳۱]

یعنی: «بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید. در این صورت خدا شما را دوست می دارد و گناهان شما را مغفرت می کند و خداوند، بخشنده و مهربان است».

و در جایی دیگر می فرماید: ﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿۲۱﴾ [احزاب ۲۱]

یعنی: «برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خداوند را زیاد یاد می کنند، شخص رسول خدا، الگوی خوبی است».

خداوند متعال، مسأله اطاعت و پیروی از رسول اکرم ﷺ را در حدود چهل آیه از قرآن، مطرح کرده است و در روز قیامت هیچ راه سعادت و نجاتی جز پیروی از رسول خدا ﷺ وجود ندارد.

﴿ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ [نساء: ۱۳ و ۱۴]

وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا ﴿

یعنی: «هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را به باغهایی از بهشت وارد می کند که در آنها نهرها جاری است و آنان جاودانه در آن باغها می مانند و این، رستگاری بزرگی است. و هر کس از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای خدا تجاوز نماید، خداوند او را وارد آتش می نماید.»

همچنین پیامبر اکرم ﷺ دوستی اش را یکی از عوامل دستیابی به حلاوت ایمان، معرفی نموده و فرموده است: (ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ وَجَدَ لَهُنَّ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا) یعنی: «هر کس، سه خصلت داشته باشد، شیرینی ایمان را می چشد: اول اینکه خدا و رسولش نزد او از سایر چیزها محبوبتر باشند؛...».

در حدیثی دیگر آن حضرت ﷺ فرموده است: (لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ

حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ) [بخاری و مسلم]

یعنی: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، هیچیک از شما تا زمانی که من، نزد او از پدر و فرزندش، محبوبتر نباشم، مؤمن به شمار نمی رود».

علاوه بر آن، سیرت رسول الله ﷺ سیرتی گهربار و پاک است که از آن درس می گیریم و بر اساس آن حرکت می کنیم.

## سفر

سفر به خانه رسول الله ﷺ و دیدن جزئیات زندگی و اسلوب رفتارش، بسیار دل انگیز است. چرا اینگونه نباشد در حالی که ما، آگاهی از سیرتش را اجر و ثواب می دانیم؟. زیرا سراسر آن، درس، پند، اندرز، الگو و نمونه می باشد. این سفر، سفری میان کتب و روایاتی است که از زبان صحابه رضی الله عنهم نقل شده است.

اینک به مدینه منوره نزدیک می شویم و یکی از بزرگترین رموز آن، یعنی کوه احد، در برابر چشمانمان خودنمایی می کند؛ آری! این، همان کوهی است که رسول الله ﷺ درباره آن فرمود: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ». [متفق علیه]

یعنی: «این، کوهی است که او، ما را دوست دارد و ما، او را دوست داریم».

قبل از اینکه وارد خانه رسول خدا ﷺ شویم و ساختمان و شکل ظاهری آن را ببینیم، باید بگویم: اگر خانه ای بسیار محقر و گلیمی بسیار کوچک دیدیم، نباید تعجب کنیم. زیرا رسول اکرم ﷺ بی علاقه ترین شخص نسبت به دنیا بوده و به زرق و برق و اموال دنیا چشم ندوخته بود؛ بلکه آنچه، باعث سردی چشمانش می شد و او را خوشحال می کرد، نماز بود. [روایت نسایی]

وی، خودش در مورد دنیا فرموده است: «مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا مَتَلِي، وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَآكِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَنْظَلَ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «مرا با دنیا چه کار؟ مثال من و دنیا، مانند مسافری است که در یک روز تابستانی بعد از طی مسیری، در سایه یک درخت، ساعتی از روز را به استراحت می پردازد و سپس می رود و آن را ترک می کند».

به سوی خانه رسول خدا ﷺ به راه افتادیم و برای رسیدن به آن گامهای تندتری بر می داریم و کوجه های مدینه را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاریم. اکنون خانه های همسران نبی اکرم ﷺ به چشم می خورد که دیوارهایشان از برگ درخت خرما و گل و از سنگهای روی هم چیده شده، می باشد و سقفهایشان نیز با برگ درخت خرما پوشیده شده است.

حسن می گوید: در دوران خلافت عثمان رضی الله عنه وارد خانه های همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله شدم، دستم به سقف آنها می رسید. آری! خانه های محقر و بسیار کوچک، اما ایمان و طاعت و وحی و رسالت، از در و دیوارشان می بارد.

### شکل و شمایل پیامبر ﷺ

به خانه نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزدیک می شویم و در می زنیم تا به ما اجازه ورود بدهد؛ لحظاتی خیالمان را با کسانی رها کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیده اند تا آن حضرت صلی الله علیه و آله را برای ما طوری توصیف کنند که گویا او را می بینیم و بدین سان سیما و چهره خدانش را بشناسیم.

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: خلقت و چهره نبی اکرم صلی الله علیه و آله از همه مردم زیباتر بود، نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه بود. [روایت بخاری]

و در روایت دیگر می فرماید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فردی چهارشانه بود، شانه هایش از یکدیگر فاصله داشتند. موهایش تا نرمه گوشهایش می رسید؛ او را در حله ای قرمز رنگ دیدم و هرگز کسی زیباتر از او ندیدم». [روایت بخاری]

ابواسحاق سبعی می گوید: مردی از براء بن عازب رضی الله عنه پرسید: آیا چهره رسول الله صلی الله علیه و آله مانند شمشیر بود؟ گفت: نه، بلکه مانده ماه بود. [روایت بخاری]

انس رضی الله عنه می گوید: هیچگونه دیبا و ابریشمی و هیچ چیز دیگری، نرمتر از کف دست رسول الله صلی الله علیه و آله لمس نکرده ام و همچنین هیچ بویی خوشبو تر از بوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مشامم نرسیده است. [بخاری و مسلم]

یکی از ویژگیهای آن حضرت صلی الله علیه و آله، شرم و آزر بود، تا جایی که ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دوشیزگان زیر چادر، شرم و حیای بیشتری داشت و هرگاه چیزی را می دید که مورد پسندش واقع نمی شد، ما، آن را از چهره اش می فهمیدیم. [روایت بخاری]

آنچه گفته شد، مختصری از شمایل و اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. ولی باید دانست که خداوند، خلقت و اخلاقی کامل به آن حضرت صلی الله علیه و آله عنایت کرده است.

### سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله

اینک که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدیم و با برخی از صفاتش آشنا شدیم، بینیم که چگونه و به چه روشی سخن می گوید. اما قبل از اینکه سخن

گفتن آن حضرت ﷺ را بشنویم، گوش دل به سخنان یارانش می سپاریم تا ببینیم در این باره چه می گویند:

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ مانند شما پشت سر هم و بی وقفه سخن نمی گفت، بلکه بسیار روشن و شمرده صحبت می کرد؛ طوری که افرادی که آنجا نشسته بودند، سخنانش را حفظ می کردند». [روایت ابوداود]

او، انسانی باتحمل و بردبار بود و دوست داشت که مردم، سخنانش را بفهمند. از آنجا که به امتش بسیار علاقه مند بود، تفاوت‌های مردم و میزان درک و شناخت آنان را در نظر می گرفت و همین مسأله، باعث می شد تا فردی بردبار و صبور باشد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول الله ﷺ شمرده سخن می گفت، طوری که هر شنونده‌ای، آن را می فهمید». [روایت ابوداود]

به حوصله و شرح صدر آن حضرت ﷺ بیندیشید که سخنانش را تکرار می کند تا همه، آن را دریابند.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: «رسول خدا ﷺ یک کلمه را در صورت نیاز سه بار تکرار می کرد تا مردم بفهمند».

رسول رحمت ﷺ با مردم با ملاحظت، برخورد می کرد و می کوشید تا از ترس و وحشت آنان بکاهد؛ چرا که بعضی از مردم از هیبتش وحشت می کردند.

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: مردی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد و شروع به صحبت کردن با او نمود. در حالی که بازوهایش می لرزید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بر خود آسان بگیر؛ زیرا من، پادشاهی نیستم؛ بلکه فرزند زنی هستم که گوشت خشک می خورد». [روایت ابن ماجه]

## داخل خانه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما اجازه ورود داد؛ لذا وارد خانه نبی این امت شدیم تا نگاهی به آن بیندازیم.

صحابه رضی الله عنهم حقیقت محتویات این خانه از قبیل اثاث، رختخواب و سایر وسایل آن را برای ما روایت می کنند. ما می دانیم که نگاه کردن به داخل خانه ها و اتاقهای مردم و جستجو در این مورد، درست نیست. اما به خاطر تأسی و الگوپذیری، نگاهی به این خانه می اندازیم تا از محتویات آن مطلع شویم. این، خانه ای است که بر اساس تواضع و فروتنی بنیانگذاری شده و سرمایه اش، ایمان است. مگر نمی بینید که بر دیوارهایش هیچگونه عکس و تصویر جاننداری مثل بسیاری از خانه های امروزی، آویزان نشده است. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرٌ». [بخاری و مسلم]

«فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و یا تصویر باشد، وارد نمی شوند».



نگاه دیگری به خانه پیامبر ﷺ بیندازید تا برخی از وسایلی را مشاهده کنید که آن حضرت ﷺ در زندگی روزانه اش از آنها استفاده می نمود.

ثابت رضی الله عنه می گوید: انس بن مالک رضی الله عنه لیوانی ضخیم را که از چوب ساخته شده و با قطعه ای فلزی بسته شده بود، به ما نشان داد و گفت: «ای ثابت! این، لیوان رسول الله ﷺ است». [روایت ترمذی]

پیامبر اکرم ﷺ در این لیوان، آب، شیر، خرما، عسل و شیر می نوشید. [روایت ترمذی]

انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ هنگام نوشیدن آب، سه بار تنفس می کرد. [بخاری و مسلم]

و نبی اکرم ﷺ از تنفس کردن داخل ظرف، منع فرمود. [روایت ترمذی]

اما شاید زرهی که رسول خدا ﷺ در روزهای سخت جهاد و مبارزه در میدانهای نبرد از آن استفاده می نمود، داخل خانه نباشد. زیرا طبق گفته عایشه صدیقه رضی الله عنها، آن حضرت ﷺ آن را در برابر سی صاع جو که از یک یهودی قرض گرفته بود، در رهن گذاشت. [بخاری و مسلم] و هنگام وفات پیامبر ﷺ، آن زره، همچنان نزد همان یهودی بود.

رسول اکرم ﷺ سرزده و ناگهانی نزد خانواده اش نمی رفت تا مبادا غافلگیر شوند. بلکه با اعلان قبلی وارد خانه می شد و هنگام ورود، سلام

می کرد. [زادالمعاد: ۲/۳۸۱]

با چشمی جستجوگر و قلبی آگاه به این حدیث رسول اکرم ﷺ فکر کنید که فرمود: «طُوبَى لِمَنْ هُدِيَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَقَنَعًا». [روایت ترمذی]

یعنی: «خوشا به حال کسی که به سوی اسلام هدایت شده و زندگی‌اش، به اندازه کفاف بوده و به همین، قانع باشد».

به حدیث دیگری گوش بسپار که نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ، فَكَانَ مَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَدِّهَا». [روایت ترمذی]

یعنی: «هر کس صبح کند در حالی که از درونش، احساس امنیت می‌کند و بیمار نیست و قوت آن روزش را دارد، گویا همه دنیا برایش فراهم شده است».

## خویشاوندان

پیامبر این امت ﷺ به اندازه ای حقوق خویشاوندانش را ادا می‌کرد و صله رحمی را به جا می‌آورد که در سخن نمی‌آید. او، در این باب بهترین و کاملترین انسانها بود؛ چنانکه کفار قریش نیز، او را قبل از بعثت ستودند و او را صادق امین لقب دادند. خدیجه رضی الله عنها به آن حضرت ﷺ چنین گفت: «تو حق صله رحم را به جا می‌آوری و در سخنان صدقت داری».

آری! مشاهده می کنید که رسول اکرم ﷺ یکی از بزرگترین حقوق را ادا می کند و به یکی از مهمترین وظایف خویش عمل می نماید؛ او به زیارت مادرش می رود که در هفت سالگی او را از دست داده است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ به زیارت قبر مادرش رفت و به اندازه ای گریست که اطرافیانش نیز گریه کردند؛ سپس فرمود:

«سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ أُرْوَرَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي، وَأَسْتَأْذِنْتُهُ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُوَدِّعْ لِي، فَزُرُّوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْمَوْتَ». [روایت مسلم]

یعنی: «از پروردگارم اجازه خواستم تا برای مادرم طلب مغفرت کنم. به من اجازه نداد. از او اجازه خواستم تا به زیارت قبرش بروم؛ به من اجازه داد. پس قبرها را زیارت کنید؛ زیرا زیارت قبور، یادآور مرگ است.»

بینید رسول خدا ﷺ به خویشاوندان، چه محبتی داشت و چقدر علاقه مند بود که دعوتش را لیبیک بگویند و هدایت شوند و از آتش دوزخ نجات یابند و در این راه چه مشکلات و سختیهایی را که تحمل نمود!

ابوهریره رضی الله عنه میگوید: هنگامی که آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [شعرا: ۲۱۴] نازل شد، رسول الله ﷺ قریش را فرا خواند و آنها را بطور عمومی و خصوصی مورد خطاب قرار داد و فرمود: «يَا بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ،

يَا بَنِي كَعْبِ بْنِ لُؤَيٍّ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي مُرَّةَ بْنِ كَعْبٍ،  
 أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛  
 يَا بَنِي هَاشِمٍ، أَنْقِذُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَنْقِذُوا  
 أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ؛ يَا فَاطِمَةَ، أَنْقِذِي نَفْسَكَ مِنَ النَّارِ؛ فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ  
 لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا غَيْرَ أَنْ لَكُمْ رَحِمًا سَأُبَلِّغُهَا بِبِلَالِهَا». [روایت مسلم]

یعنی: «ای فرزندان عبد شمس و ای فرزندان کعب بن لؤی! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان مره بن کعب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدمناف! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان هاشم! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فرزندان عبدالمطلب! خودتان را از آتش نجات دهید؛ ای فاطمه! خودت را از آتش جهنم نجات بده؛ زیرا من در برابر خدا نمی توانم هیچ کاری برای شما انجام دهم مگر اینکه یک حق خوشاوندی دارید که تا هنگامی که باقی است، - یعنی در دنیا - آن را ادا می کنم».

شما مشاهده می کنید که محبوب ما از دعوت عمویش ابوطالب خسته نشد. بلکه او را دعوت داد، تا جایی که هنگام احتضار ابوطالب نزد او رفت و دید که ابوجهل و عبدالله بن ابی امیه آنجا نشسته اند؛ آنگاه به عمویش گفت: «عمو جان! بگو: لا اله الا الله؛ یک کلمه، بیشتر نیست؛ به وسیله آن نزد خداوند از تو دفاع خواهم کرد». ابوجهل و

عبدالله بن ابی امیه گفتند: ای ابوطالب! آیا از دین عبدالمطلب رویگردانی می کنی و آنقدر با او صحبت کردند تا اینکه آخرین کلمه ای که بر زبان آورد، این بود که گفت: بر دین عبدالمطلب.

نبی اکرم ﷺ فرمود: «تا زمانی که منع نشوم، برای استغفار خواهم کرد». آنگاه این آیه نازل شد: ﴿ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴾ [توبه: ۱۱۳]

یعنی: «شایسته پیامبر و مؤمنین نیست که برای مشرکین طلب مغفرت کنند. اگرچه خویشاوندانشان باشند، بعد از اینکه برای آنان روشن شده است که آنان جهنمی اند.»

این آیه نیز نازل شد: ﴿ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ ﴾ [قصص: ۵۶]

یعنی: «هر که را تو بخواهی، نمی توانی هدایت کنی». [روایت بخاری، مسلم و احمد]

### پیامبر ﷺ در خانه اش

خانه هر فرد، ملک حقیقی اوست که خوش رفتاری، ادب، حسن معاشرت و اصالت او، در آن آشکار می شود. او، در خانه و پشت دیوارها قرار دارد و هیچکس او را نمی بیند و با خادم و همسرش بدون

هیچگونه تکلف و تعارفی بر اساس سرشت اصلی خود رفتار می کند. او این رویه را در حالی دارد که همه کاره این خانه است و تمام زیردستانش افراد ضعیفی هستند. اکنون رهبر و معلم این امت را بینیم که با وجود جایگاه و منزلت بالایی که از آن برخوردار است، در خانه اش چگونه رفتار می کند. از عایشه صدیقه رضی الله عنها پرسیدند: رسول الله ﷺ در خانه چه کار می کرد؟ گفت: بشری مانند سایر افراد بشر بود. لباسش را می دوخت، گوسفندانش را می دوشید و خودش کارهایش را انجام می داد. [روایت احمد و ترمذی]

او نمونه تواضع و فروتنی بود؛ تکبر نمی کرد، به دیگران دستور نمی داد که کارهایش را انجام دهند و در کارهای خانه مشارکت می نمود و کمک خوبی برای خانواده اش بود. مشاهده می کنیم که همه این کارها را برگزیده فرزندان آدم انجام می دهد. بله! در خانه ای که نور این دین از آنجا نورافشانی می کند، حتی آن مقدار خوراکی هم وجود ندارد که رسول اکرم ﷺ را سیر کند.

نعمان بن بشیر رضی الله عنه که درباره نبی اکرم ﷺ سخن می گفت، فرمود: «پیامبر شما را در حالی دیدم که خرماهای خشکی هم نمی یافت که شکمش را سیر کند». [روایت مسلم]

عایشه رضی الله عنها می گوید: «ما اهل بیت محمد ﷺ یک ماه آتش روشن نمی کردیم؛ غذای ما، آب و خرما بود». [روایت بخاری]

همچنین هیچ چیز، نبی اکرم ﷺ را از عبادت باز نمی داشت؛ هرگاه ندای حی علی الصلاة و حی علی الفلاح را می شنید، به سرعت اجابت می کرد و دنیا را پشت سر می گذاشت.

اسود بن یزید می گوید: از عایشه پرسیدم: نبی اکرم ﷺ در خانه چکار می کرد؟ گفت: «در خدمت خانواده اش بود. به محض اینکه صدای اذان را می شنید، بیرون می رفت». [روایت بخاری]

درباره نبی اکرم ﷺ نقل نشده که یکی از نمازهای فرض را در خانه خوانده باشد مگر هنگامی که بیمار شد و تب او شدت گرفت و نتوانست از خانه بیرون برود و آن هم در بیماری وفاتش بود.

رسول خدا ﷺ با وجود مهربانی و شفقتی که نسبت به امتش داشت، درباره کسانی که نماز جماعت را ترک می کنند، الفاظ تندی به کار برد و فرمود: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِّنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بَيْوتَهُمْ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «تصمیم گرفتم دستور دهم تا نماز، اقامه گردد، سپس به مردی دستور دهم تا برای مردم امامت دهد، آنگاه گروهی را با دسته های هیزم با خود ببرم و کسانی را که به نماز جماعت نمی آیند، با خانه هایشان آتش بزنم».

باید توجه داشت که حدیث فوق اهمیت نماز جماعت را می‌رساند. همچنین نبی اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ». [ابن ماجه و ابن حبان]

یعنی: «هر کس صدای اذان را بشنود و اجابت نکند، نمازش پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه عذری داشته باشد».

قابل یادآوری است که علما، فقط ترس و بیماری را عذر دانسته‌اند. اینک کجا هستند کسانی که کنار همسرانشان، نماز می‌خوانند و مساجد خدا را ترک کرده‌اند؟ آیا آنها معذورند؟!

### سیرت و صورت پیامبر اکرم ﷺ

حرکات و سکناات هر شخص، دلیل میزان عقل و کلید قلبش می‌باشد.

ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها دختر ابوبکر صدیق ﷺ بهترین شخصی است که اخلاق نبی اکرم ﷺ را معرفی می‌کند و آن حضرت ﷺ را دقیقتر از دیگران توصیف می‌نماید؛ چراکه او در موقعیتها و حالت‌های مختلف از قبیل خواب، بیداری، بیماری، صحت، خوشی و خشم رسول خدا ﷺ در کنار ایشان بود.



ام المومنین عایشه رضی الله عنها می گوید: «لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَلَا صَخَابًا فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يُجْزَى بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَصْفَحُ». [روایت احمد]

یعنی: «رسول خدا ﷺ نه اخلاق ناسزاگویی داشت و نه ناسزا می گفت. همچنین در بازارها سر و صدا نمی کرد و بدی را با بدی، پاسخ نمی داد. بلکه عفو و گذشت می نمود».

اخلاق نبی این امت، این نعمت بزرگ الهی را نوه اش حسین ﷺ برای ما توصیف می کند. وی می گوید: از پدرم درباره رفتار نبی اکرم ﷺ با دوستانش پرسیدم. گفت: پیامبر خدا ﷺ همیشه شاداب بود؛ اخلاق نرمی داشت، متواضع و فروتن بود؛ فرد خشنی نبود که سر و صدا راه بیندازد و یا به شدت متنفّر شود؛ بلکه اگر به خوردن چیزی تمایل نداشت، بدون اعلام تنفر، نمی خورد. فردی که نزد او می آمد، ناامید بر نمی گشت و متضرر نمی شد. از سه چیز، نفسش را آزاد کرده بود: ریا، حرف زدن زیاد و کارهای بیهوده؛ مردم را هم از سه چیز آزاد کرده بود: هیچکس را مذمت نمی کرد، عیبش را بیان نمی نمود و به دنبال آبرویش نبود. تنها درباره چیزی سخن می گفت که امید ثواب داشت. هنگامی که سخن می گفت، حاضران، سکوت می کردند طوری که گویا بر سرشان پرنده ای نشسته است و چون او سکوت می نمود، آنان، صحبت می نمودند؛ صحابه نزد وی جر و بحث نمی کردند؛

اگر کسی نزد وی سخن می گفت، بقیه سکوت می نمودند تا سخنش پایان یابد. از آنچه که آنان می خندیدند، آن حضرت ﷺ نیز می خندید؛ از آنچه آنان، تعجب می کردند، او نیز تعجب می کرد و اگر فرد بیگانه ای با خشونت سخن می گفت و یا مطلبی را آنچنان می پرسید که صحابه قصد تنبیه آن شخص را می کردند، او، صبر پیشه می نمود و می فرمود: «هرگاه نیازمندی را دیدید، به او کمک کنید».

به ارزشهای اخلاقی و خصلتهای پاک نبی این امت یکی پس از دیگری فکر کنید و به گوشه ای از آنها عمل نمایید و سعی کنید که بهره ای از آنها داشته باشید؛ زیرا خیر و نیکی فراوانی در آنها نهفته است.

یکی از عاداتش، این بود که به اطرافیانش امور دینی را آموزش می داد؛ چنانکه در یکی از جلساته‌اش فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نَدًّا دَخَلَ النَّارَ». [روایت بخاری]

یعنی: «هر کس، در حالی بمیرد که کسی جز خداوند را صدا می زند، وارد آتش می شود».

همچنین فرمود: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «مسلمان - حقیقی - کسی است که مسلمانان، از دست و زبانش سالم بمانند و مهاجر حقیقی کسی است که آنچه را خداوند، نهی کرده است، ترک کند».

و فرمود: «بَشِّرِ الْمُشَائِنِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ النَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [روایت ترمذی]

یعنی: «کسانی را که در تاریکیها به سوی مساجد می روند، به نوری کامل در روز قیامت بشارت بده».

و فرمود: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّنْتِكُمْ». [روایت ابوداود]

یعنی: «با مال و جان و زبان خود، با مشرکین مبارزه کنید».

و نیز فرمود: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ، مَا يُتَبَّنُ فِيهَا، يَزِلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبَعَدَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «بنده بدون فکر و اندیشه، سخنی به زبان می آورد و آن سخن باعث می شود که در عمقی دورتر از فاصله مشرق و مغرب در آتش سقوط کند».

«إِنِّي لَمْ أُبْعَثْ لِعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً». [روایت مسلم]

یعنی: «من مبعوث نشده ام تا مردم را نفرین کنم؛ بلکه به عنوان رحمت برای مردم مبعوث شده ام».

عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أُطْرَتِ النَّصَارَى ابْنِ مَرْيَمَ». [روایت بخاری و مسلم]

یعنی: «در تعریف و تمجید من افراط نکنید، آنطور که نصاری درباره فرزند مریم - عیسی - افراط کردند».

جندب بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله پنج روز قبل از وفاتش فرمود: «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخَذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا؛ أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ؛ إِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ». [روایت مسلم]

یعنی: «من به خدا پناه می برم از اینکه کسی از شما را به عنوان دوست صمیمی انتخاب کنم؛ زیرا خداوند همانگونه که ابراهیم علیه السلام را به عنوان خلیل (دوست ویژه) انتخاب کرد، مرا نیز به عنوان خلیل انتخاب نمود، و اگر من از میان امتم کسی را به عنوان دوست صمیمی انتخاب می کردم، ابوبکر را بر می گزیدم. آگاه باشید که امتهای گذشته،

قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار دادند. مواظب باشید که قبرها را مسجد قرار ندهید؛ زیرا من، شما را از این کار منع می‌نمایم».

### دختران پیامبر اکرم ﷺ

به دنیا آمدن دختر در دوران جاهلیت، روزی سیاه و تاریک در زندگی پدر و مادر و حتی زندگی خانواده و قبیله، به شمار می‌رفت. تا جایی که بسیاری از آنان، دخترانشان را از ترس عار و رسوایی، زنده به گور می‌کردند و این کار، در نهایت وقاحت و قساوت قلب انجام می‌گرفت؛ طوریکه شفقت و محبت، هیچ جایگاهی نداشت. آنها این جنایت را به شکلهای مختلف مرتکب می‌شدند. برخی از آنان، دخترانشان را تا سن شش سالگی زنده می‌گذاشتند؛ آنگاه به مادرش می‌گفتند: او را آرایش کن و خوشبویی بزن تا او را نزد خویشاوندانش ببریم. حال آنکه از قبل، در بیابان، چاله‌ای حفر کرده بودند؛ سپس او را کنار آن چاله می‌بردند و به او می‌گفتند: داخل آن را نگاه کن و آنگاه او را داخل گودال می‌انداختند و با قساوت تمام، رویش خاک می‌ریختند.

رسول الله ﷺ در میان چنین جامعه‌ای ظهور کرد و این دین بزرگ را آورد که برای جنس زن اعم از مادر، همسر، خواهر و عمه احترام خاصی قایل است. رسول خدا ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت؛

چنانچه هرگاه فاطمه رضی الله عنها نزدش می آمد، برایش بلند می شد، دستش را می گرفت و می بوسید و سر جایش می نشاند و هرگاه رسول الله ﷺ نزد فاطمه رضی الله عنها، می رفت، برایش بلند می شد، دستش را می گرفت و او را می بوسید و سر جایش می نشاند. [ابوداود، ترمذی و نسائی]

با وجود اینکه نبی اکرم ﷺ دخترانش را بسیار دوست داشت و احترام خاصی برای آنان قایل بود، اما در عین حال، هنگامی که سوره المسد نازل شد و عتبه و عتیبه فرزندان ابولهب، با تحریک قریش تهدید کردند که دختران رسول الله ﷺ، یعنی ام کلثوم و رقیه را طلاق می دهند، آن حضرت ﷺ صبر کرد و سرانجام هم دخترانش را طلاق دادند. ولی او، امر دعوت را ترک نکرد؛ بلکه در امر دین، ذره ای تزلزل به خود راه نداد.

بیاییم از عایشه رضی الله عنها بشنویم که رسول الله ﷺ چقدر دخترانش را دوست داشت؛ عایشه رضی الله عنها می گوید: روزی همسران نبی اکرم ﷺ نزد او بودند که فاطمه رضی الله عنها آمد؛ راه رفتن او، با راه رفتن رسول خدا ﷺ هیچگونه تفاوتی نداشت. هنگامی که چشم پیامبر اکرم ﷺ به فاطمه افتاد، به او خوشامد گفت و فرمود: «دخترم! خوش آمدی»؛ آنگاه او را سمت راست و یا چپ خود نشاند. [روایت مسلم]

همچنین رسول رحمت ﷺ برای دیدن دخترانش و احوال پرسى از آنان و حل مشکلاتشان نزد آنان، مى رفت. چنانکه روزى فاطمه رضی الله عنها به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد تا از دشواری آسیاب کردن و تأثیر آن بر دستانش شکایت کند و درخواست خادمی نماید. اما نبی اکرم ﷺ آنجا نبود؛ لذا عایشه رضی الله عنها را در جریان گذاشت؛ هنگامی که رسول الله ﷺ آمد، عایشه، او را از آمدن فاطمه باخبر ساخت.

علی ابن ابی طالب رضی الله عنه می گوید: پیامبر اکرم ﷺ هنگامی نزد ما آمد که ما به رختخواب رفته بودیم؛ لذا خواستیم بلند شویم، ولی آن حضرت رضی الله عنه فرمود: بلند نشوید؛ سپس آمد و میان ما نشست، طوری که من، سردی قدمهایش را بر سینه ام احساس کردم. آنگاه فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ؟ إِذَا أُوْتِئْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ أَوْ أَخَذْتُمْ مَضَاجِعَكُمْ، فَكَبِّرُوا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحُوا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدُوا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهَذَا خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ». [روایت بخاری]

یعنی: «آیا شما را به انجام عملی راهنمایی نکنم که برای شما از خادمی بهتر باشد؟ هرگاه به رختخواب رفتید، سی و چهار بار الله اکبر، سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله بگوئید؛ این عمل، برای شما از خادم بهتر است».

ما باید در زمینه صبر و بردباری، رسول خدا ﷺ را الگوی خویش قرار دهیم. چراکه جز فاطمه، همه پسران و دختران آن حضرت ﷺ در حیات مبارکش فوت کردند، با این حال، رسول خدا ﷺ نه به سر و صورتش زد، نه گریانش را پاره کرد، نه برای آنان نوحه خوانی نمود و نه مجلس ختم و سالگرد گرفت. پیامبر اکرم ﷺ امتش را به صبر و شکیبایی وصیت کرد و احادیثی برای آنان بیان نمود تا باعث تسلیت انسان غم زده و مصیبت دیده گردد. چنانکه فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلَفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». [روایت مسلم]

یعنی: «ما از آنِ خدایم و بازگشت ما به سوی اوست؛ خدایا! مرا در مقابل این مصیبت، پاداش بده و در عوض آن، چیز بهتری به من عنایت فرما».

همچنین خداوند متعال، گفتن کلمه استرجاع یعنی: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را پناهگاه انسانهای غم زده و مصیبت دیده قرار داده و صبرکنندگان را از طرف خودش به اجر و ثواب مژده داده است: ﴿إِنَّمَا

يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾ [زمر: ۱۰]

یعنی: «همانا اجر و پاداش صبرکنندگان به تمام و کمال و بدون حساب به آنان داده می شود».



## رفتار با همسر

در اجتماع کوچک خانواده، این همسر است که اساس و پایه آن را تشکیل می‌دهد و به آن آرامش می‌بخشد و دوستی و محبت به ارمغان می‌آورد.

رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ». [سنن نسائی]

یعنی: «دنیا، سراسر متاع است و بهترین متاع دنیا، همسر نیک است».

یکی از موارد خوشرفتاری رسول خدا ﷺ را در برخورد خوب با همسرانش مشاهده می‌کنیم. چنانکه رسول رحمت ﷺ نام ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها را ترخیم می‌نماید و بشارتی به او می‌دهد که دلها را به هیجان می‌آورد و می‌فرماید: «ای عایش! این، جبرئیل است که به تو سلام می‌رساند». [روایت بخاری و مسلم]

فراتر از این، پیامبر امت، آن کاملترین انسان از نظر اخلاق و بزرگترین فرد از نظر جایگاه و منزلت، در خوش اخلاقی، تواضع و فروتنی و شناخت گرایشهای عاطفی و روانی همسرش، شگفتی می‌آفریند و طوری با وی برخورد می‌کند که هر زنی، آن را می‌پسندد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: «در دوران عادت ماهیانه آب می نوشیدم؛ سپس ظرف آب را به نبی اکرم ﷺ می دادم. رسول خدا ﷺ دهانش را همان جایی می گذاشت که من، دهانم را گذاشته بودم و آب می نوشید. همچنین گوشت را از استخوان با دهان می کردم و می خوردم. آنگاه رسول خدا ﷺ دهانش را همان جایی می گذاشت که من گذاشته بودم و از آن گوشت می خورد.» [روایت مسلم]

آن حضرت ﷺ آنگونه نبود که منافقین می پندارند و خاورشناسان، او را متهم می کنند؛ بلکه زیباترین و آساترین راههای معاشرت با همسر را انتخاب می کرد.

عایشه می گوید: «نبی اکرم ﷺ یکی از همسرانش را بوسید و بدون اینکه وضو بگیرد، برای نماز بیرون رفت.» [بوداود و ترمذی]

همچنین رسول خدا ﷺ در جاهای متعددی بطور واضح و روشن، منزلت والای زن را بیان می کند و ارزش و جایگاه بانوان را برای جامعه و مردم معرفی می نماید.

ملاحظه کنید که رسول خدا ﷺ به سؤال عمرو بن عاص رضی الله عنه پاسخ می دهد و به او می آموزد که دوست داشتن همسر، باعث شرمندگی مرد درست و کامل نمی شود.

عمرو بن عاص رضی الله عنه می گوید: از رسول الله ﷺ پرسیدم: محبوبترین مردم نزد تو کیست؟ فرمود: عایشه. [روایت بخاری و مسلم]

هر کس می خواهد طعم سعادت زناشویی را در زندگیش بچشد، در این حدیث ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها بیندیشد که به بیان نحوه رفتار رسول خدا ﷺ با او می پردازد؛ عایشه رضی الله عنها می گوید: «من و رسول خدا ﷺ از یک ظرف آب، غسل می کردیم». [روایت بخاری]

نبی امت از هر مناسبتی استفاده می کرد و برای خوشحال و خوشبخت نمودن همسرش از هر امر مباح و جایزی کمک می گرفت.

این، یک شوخی زیبا و نکته ای فوق العاده مهم است که نبی اکرم ﷺ به مردم دستور می دهد جلو بروند تا با همسرش مسابقه دهد و باعث خوشحالی وی گردد. هر کس امروزه در این سرزمین پهناور خداوند به سیر و سیاحت پردازد و به بزرگان و رهبران دنیا نگاه کند، بطور قطع از این رفتار نبی اکرم ﷺ تعجب خواهد کرد. او، فرمانده پیروز و برگزیده قریش بود. در یکی از روزهای فتح در حالی که مسلمانان با فتح و پیروزی باز می گردند و خودش، فرماندهی لشکر بزرگی را بر عهده دارد، با این حال، همچنان فروتن و متواضع است و به همسرانش مهر می ورزد. فرماندهی لشکر، خستگی راه و پیروزی در میدان نبرد، هیچ کدام باعث نشد تا این نکته را فراموش کند که با او زنانی هستند که نیاز به محبت و شفقت دارند؛ بلکه مشقت راه و خستگی سفر را از آنان زدود و به آنان مهر ورزید.

بخاری روایت کرده است: هنگامی که رسول خدا ﷺ از غزوه خیبر برگشت، با صفیه دختر حیی ازدواج کرد؛ چادری را اطراف شتری می گرفت که صفیه بر آن سوار بود و او را در حجاب قرار می داد و سپس کنار شتر می نشست و زانویش را می گذاشت و صفیه، پایش را بر زانوی آن حضرت ﷺ می نهاد تا سوار شتر شود.

این، یک صحنه بسیار مؤثر است که بر تواضع رسول خدا ﷺ دلالت دارد.

بدین سان رسول خدا ﷺ که فرماندهی پیروز و فرستاده ای از جانب الله بود، به امتش می آموزد که تواضع و فروتنی در برابر همسرش برای کمک به او و خوشحال کردنش از قدر و منزلت وی نمی کاهد.

همچنین یکی از وصیتهای نبی اکرم ﷺ به امتش این بود که فرمود: «به زنان نیکی کنید». [روایت مسلم]

### چند همسری (تعدد زوجات)

رسول الله ﷺ با یازده زن ازدواج کرد که مفتخر به لقب مادران مؤمنان شدند و هنگامی که فوت نمود، نه زن در نکاح ایشان بودند. بله! این زنان، از شرافت و کرامتی والا برخوردار شدند. تمام زنانی که

رسول خدا ﷺ با آنها ازدواج نمود، بزرگسال، بیوه و ناتوان بودند. فقط عایشه صدیقه رضی الله عنها دختر بود.

آری! پیامبر اکرم ﷺ در عدالت و تقسیم وقت میان مادران مؤمنان نمونه بود. عایشه می گوید: هرگاه پیامبر اکرم ﷺ می خواست به سفر برود، میان همسرانش قرعه می انداخت و قرعه به نام هر کس که می افتاد، او را با خود می برد و در تقسیم وقت نیز یک شبانه روز را به هر یک از آنها اختصاص می داد.

یکی دیگر از نمونه های عدالت آن حضرت ﷺ روایت انس بن مالک رضی الله عنه است که می گوید: «نبی اکرم ﷺ، نه همسر داشت و چون نوبت آنان را رعایت می کرد، نه شب بعد، نوبت هر یک می شد؛ لذا همسرانش هر شب در خانه ای که نوبتش آنجا بود، جمع می شدند. در یکی از شبها که رسول خدا ﷺ در خانه عایشه بود، زینب آمد. پیامبر اکرم ﷺ دستش را به سوی او دراز کرد؛ عایشه رضی الله عنها گفت: این، زینب است. پیامبر خدا ﷺ دستش را جمع نمود. [روایت مسلم]

باید دانست که اگر توفیق خداوند متعال، شامل حال پیامبر خدا ﷺ نمی شد، خانه نبوت چنین وضعیتی نداشت.

آری! رسول رحمت ﷺ را مشاهده می کنیم که در قول و عمل، سپاس پروردگارش را به جا می آورد؛ او، به دستورات خداوند عمل می کند و همسرانش را به عبادت تشویق می نماید و به آنها کمک

می کند تا هر چه بهتر خدا را عبادت کنند. خداوند بلند مرتبه، می فرماید:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا لَّحْنُ نَزْرُوقِكَ ۗ

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [طه: ۱۳۲]

یعنی: «خانواده خود را به ادای نماز دستور بده و خود نیز بر اقامه آن ثابت و استوار بمان؛ ما، از تو روزی نمی خواهیم، بلکه ما، به تو روزی می دهیم و سرانجام (نیک) از آن (اهل تقوا و) پرهیزگاری است».

عایشه رضی الله عنها می گوید: «نبی اکرم ﷺ نماز می خواند در حالی که من بر رختخوابش دراز کشیده و خوابیده بودم. اما هنگامی که می خواست نماز وتر بخواند، مرا بیدار می نمود». [روایت بخاری و مسلم]

نبی اکرم ﷺ مردم را به شب زنده داری و خواندن نماز تهجد تشویق می نمود. چنانچه زن و شوهر را تشویق نمود تا برای قیام شب همکاری کنند و یکدیگر را بیدار نمایند.

ابو هریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «خداوند، رحمت کند مردی را که شب هنگام بر می خیزد و نماز می خواند و همسرش را نیز بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می پاشد. همچنین خداوند، رحمت کند زنی را که شب بر می خیزد و نماز می خواند و شوهرش را نیز بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر صورتش آب می پاشد». [روایت بخاری و مسلم]

یکی از علایم مسلمان کامل و پایبند، توجه به قیافه ظاهریش می باشد تا بدین سان صفا و پاکی درونیش کامل گردد.

رسول خدا ﷺ قلبی پاک و بدنی تمیز داشت، خوشرو بود، مسواک را دوست داشت و به مردم دستور می داد تا مسواک بزنند.

آن حضرت ﷺ می فرمود: «اگر برای امتم دشوار نمی شد، به آنان دستور می دادم تا هنگام هر نمازی مسواک بزنند». [روایت احمد]

حدیثی ﷺ می گوید: «رسول الله ﷺ هنگامی که از خواب بیدار می شد، مسواک می زد». [روایت مسلم]

شریح بن هانی می گوید: از عایشه رضی الله عنها پرسیدم: نخستین کار پیامبر هنگام ورود به خانه چه بود؟ گفت: مسواک زدن. [روایت احمد]

ملاحظه می کنیم که نبی اکرم ﷺ با چه آمادگی و نظافتِ خوبی، با اهل بیتش روبرو می شود! همچنین رسول خدا ﷺ هنگامی که وارد خانه می شد، می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا وَعَلَى رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا». [روایت مسلم]

یعنی: «به نام خدا وارد شدیم و به نام خدا بیرون رفتیم و بر پروردگارمان توکل نمودیم». سپس به خانواده اش سلام می کرد.

مبارک و خجسته باد بر خانواده ات که پاک و نظیف وارد خانه می شوی و در بدو ورود به خانه سلام می کنی. لذا ای برادر مسلمانم! جزو کسانی مباش که به جای این کارها، سرزنش می کنند و بد و بی راه می گویند.

### شوخی رسول خدا ﷺ

رهبری همچون نبی اکرم ﷺ لحظات زندگی را در فکر امت و در اندیشه سپاه اسلام، فرماندهان و خانواده اش سپری می نماید و گاهی نیز به وحی مشغول است و اوقاتی را هم در عبادت بسر می برد و کارهای دیگری نیز دارد. اینها، کارهای بزرگی است که با وجود آنها، شخص نمی تواند خواسته های زندگی را برآورده سازد و به زندگی رونق و طراوت ببخشد. اما نبی اکرم ﷺ همه حقوق را ادا می نمود و در ادای هیچ حقی به خاطر مشغولیت به حقی دیگر کوتاهی نمی کرد. آن حضرت ﷺ با وجود کارها و مسؤولیتهای زیادی که داشت، باز هم جایگاه کودکان را در قلبش حفظ کرده بود. وی، سعی می نمود از طریق شوخی، به آنان نزدیک شود و باعث خوشحالی آنان گردد؛ چنانکه گاهی با سایر مردم نیز شوخی می کرد. ابو هریره رضی الله عنه می گوید: صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! شما با ما شوخی می کنید؟ فرمود: «آری، ولی من جز حق، سخن دیگری بر زبان نمی آورم». [روایت احمد]



یکی از شوخیهایش، از انس بن مالک رضی الله عنه نقل شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود: «ای کسی که دو گوش داری!»

انس رضی الله عنه می گوید: ام سلیم، پسری به نام ابوعمیر داشت. هرگاه نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد آنها می رفت، با ابوعمیر شوخی می کرد. روزی آن حضرت صلی الله علیه و آله به خانه آنان رفت و با ابوعمیر شوخی کرد. ولی ابوعمیر را غمگین یافت؛ لذا فرمود: «چه شده که ابوعمیر را غمگین می بینم؟» گفتند: ای رسول خدا! پرنده اش که با آن بازی می کرد، مرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را صدا کرد و فرمود: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ النُّعَيْرُ؟» یعنی: «ای ابوعمیر! نعیر (پرنده کوچک) چه شد؟» [روایت بخاری و مسلم]

رسول رحمت صلی الله علیه و آله با کسانی که سن و سالی از آنان گذشته بود، طوری دیگر شوخی می کرد؛ چنانچه انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: مردی بادیه نشین به نام زاهر بن حرام وجود داشت که بدقیافه بود؛ اما نبی اکرم صلی الله علیه و آله وی را دوست داشت. روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد زاهر رفت؛ زاهر، مشغول فروختن کالاهایش بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله او را از پشت سر طوری در بغل گرفت که او، آن حضرت صلی الله علیه و آله را ندید. آن مرد گفت: مرا رها کن. کیستی؟ آنگاه چهره اش را برگرداند و نبی اکرم صلی الله علیه و آله را شناخت و چون ایشان را شناخت، تلاش نمود تا هرچه بیشتر پشتش را به سینه مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله بچسباند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «چه کسی این

برده را می خرد؟ زاهر گفت: ای رسول خدا! من، بازاری نخواهم داشت. نبی اکرم ﷺ فرمود: «ولی تو، نزد خداوند ارزش زیادی داری». [روایت احمد]

این است اخلاق خوب و خصلتهای زیبای رسول خدا ﷺ.

نبی اکرم ﷺ با آنکه با خانواده و خویشاوندانش بسیار گشاده روی بود، اما خندیدنش، حد و اندازه ای داشت؛ لذا فقط تبسم می نمود. چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: «هرگز رسول خدا ﷺ را ندیدم که بطور کامل بخندد، طوری که سقف دهانش دیده شود». [روایت بخاری و مسلم]

رسول خدا ﷺ با آنکه چهره ای باز و برخوردار خوبی داشت، اما اگر فردی، مرتکب عمل حرامی می شد، چهره مبارک آن حضرت ﷺ تغییر می کرد. عایشه رضی الله عنها می گوید: «رسول خدا ﷺ از سفری آمد؛ چشمش به پرده ای افتاد که رویش تصویر (موجودات جاندار) بود و من، آن را به دروازه خانه آویزان کرده بودم. چهره رسول خدا ﷺ به محض دیدن آن پرده دگرگون گردید و آن را پاره کرد و فرمود: ای عایشه! روز قیامت نزد خداوند، بیش از همه، کسانی عذاب می شوند که مخلوقات خداوند را شبیه سازی کنند». [روایت بخاری و مسلم]

حدیث فوق، دال بر این است که نگهداری تصویر در خانه، اگر آشکار باشد، حرام است و حرامتر از آن، تصاویر و مجسمه هایی هستند

که بر دیوارها آویزان می گردند و یا در گوشه و کنار خانه گذاشته می شوند؛ علاوه بر اینکه این کار، باعث گنهکار شدن انسان می شود، از ورود فرشتگان رحمت به داخل خانه نیز جلوگیری می کند.

### خواب نبی اکرم ﷺ

ابی بن کعب رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: هر گاه یکی از شما خواست به رختخوابش برود، گوشه ازارش را بگیرد و خدا را یاد کند و رختخوابش را با آن جارو نماید. زیرا او نمی داند که بعد از وی چه چیزی به رختخوابش آمده است. و هنگامی که خواست بخوابد، به پهلوی راستش بخوابد و بگوید:

«بِاسْمِكَ وَضَعْتُ جَنَبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أُرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

یعنی: «ای پروردگار من! پهلویم را به نام تو بر زمین گذاشتم و آن را به کمک تو بلند می کنم. اگر در حالت خواب جانم را گرفتی، مغفرتش کن و اگر زنده گذاشتی، با همان چیزی که بندگان نیکو کارت را حفاظت می کنی، آن را نیز حفاظت کن.» [روایت مسلم]

همچنین رهنمود نبی اکرم ﷺ به هر مرد و زن مسلمان، این بود که می فرمود: «هر گاه خواستی به رختخواب بروی، نخست مانند وضوی نماز، وضو بگیر و سپس بر پهلوی راست بخواب». [روایت بخاری و مسلم] عایشه رضی الله عنها می گوید: هر شب که رسول الله ﷺ به رختخوابش می رفت، دو کف دستش را کنار هم قرار می داد و در آنها می دمید و سوره های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را می خواند؛ سپس با کف دستانش تا آنجا که می توانست و دستش می رسید، بدنش را مسح می کرد.

قابل یادآوری است که از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می کرد و این کار را سه بار تکرار می نمود. [روایت بخاری] انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ به رختخوابش می رفت، چنین می گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَآوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ». [روایت مسلم]

یعنی: «تمام حمد و ستایشها از آن خدایی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت کرد و به ما جای داد؛ چه بسا افرادی که کارساز و جادهنده ای ندارند».

ابوقتاده رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ اگر می خواست در شب، استراحت نماید و بخوابد، به پهلوی راستش می خوابید و اگر قصد

داشت اندکی قبل از صبح، استراحت نماید، ذراعش را نصب می کرد و سرش را بر کف دستش می گذاشت. [مسلم]

بله، برادر عزیزم! با این همه نعمتی که خداوند، به ما ارزانی داشته است، لحظاتی درباره رختخواب سرور و خاتم انبیا و بهترین مخلوق خداوند و برترین کسی که روی زمین قدم گذاشته، بیندیش.

عایشه رضی الله عنها می گوید: رختخوابی که رسول خدا ﷺ روی آن می خوابید، از پوستی بود که داخل آن با برگ درخت خرما پر شده بود. [مسلم]

عمر بن خطاب رضی الله عنه و چند تن دیگر از صحابه رضی الله عنهم خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدند؛ آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روی تختی که با برگ درخت خرما بافته شده بود، دراز کشیده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقداری از جایش تکان خورد. عمر رضی الله عنه متوجه شد که جز حصیر چیز دیگری روی تخت نیست و آثار حصیر را بر پهلوی آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده کرد؛ لذا گریه کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای عمر! چرا گریه می کنی؟» گفت: به خدا سوگند، من، می دانم که تو نزد خداوند از کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) عزیزتری؛ ولی آنها در ناز و نعمت بسر می برند و تو، چنین وضعیتی داری.. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا راضی نیستی که دنیا، از آن آنان باشد و آخرت به ما تعلق بگیرد؟» عمر رضی الله عنه گفت: بلی؛ فرمود: «این چنین است». [روایت امام احمد]

## شب زنده داری

مدینه را شب فرا گرفت و سیاهی شب، بر آن سایه انداخت؛ اما رسول خدا ﷺ شب را با نماز، یاد خدا و شب زنده داری، نورانی می گرداند. او، با پروردگار زمین و آسمان، همان ذاتی که اختیار تمام هستی در دست اوست، مناجات می نماید و دستور آفریننده اش را لبیک می گوید، آنجا که می فرماید: ﴿يَتَأْتِيَ الْمَزْمِلُ ﴿١٠﴾ قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا ﴿١١﴾ نِصْفَهُ أَوْ أَنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿١٢﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿١٣﴾﴾ [مزل: ۱-۴] یعنی: «ای جامه به خود پیچیده! شب را جز اندکی از آن، بیدار بمان یا کمی از نیمه بکاه یا کمی بر نیمه آن بیفزای و قرآن را خوب با تلفظ صحیح حروف و تدبیر در معانی آن بخوان».

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ به اندازه ای شبها به نماز می ایستاد که قدمهایش ورم می کرد. مردم می گفتند: ای رسول خدا! با آنکه گناهان گذشته و آینده ات بخشیده شده اند، باز هم چنین می کنی؟ فرمود: «آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟» [ابن ماجه]

اسود بن یزید رضی الله عنه می گوید: از عایشه رضی الله عنها درباره کیفیت نماز رسول خدا ﷺ پرسیدم؛ گفت: ایشان، اول شب می خوابید، سپس بیدار می شد و نماز می خواند و اگر نیازی به همسرش داشت، با وی

همبستر می شد و هنگامی که صدای اذان را می شنید، به سرعت بر می خاست؛ اگر جنب بود، غسل می کرد؛ در غیر این صورت، وضو می گرفت و برای نماز می رفت. [بخاری]

باید دانست که نماز شب پیامبر اکرم ﷺ به اندازه ای طولانی است که از یکسو انسان را به شگفتی وا می دارد و از سوی دیگر باعث میشود که ایشان و نمازش را الگو قرار دهیم.

حذیفه بن یمان رضی الله عنه می گوید: شبی با نبی اکرم ﷺ به نماز ایستادم. آن حضرت صلی الله علیه و آله شروع به خواندن سوره بقره نمود؛ با خود گفتم: بعد از خواندن صد آیه، رکوع خواهد کرد، اما ادامه داد. گفتم: سوره بقره را در یک رکعت می خواند، اما باز هم ادامه داد و آل عمران را شروع کرد. گفتم: با تمام شدن آن، رکوع می نماید؛ اما ایشان خواندن سوره نساء را شروع کرد. بدون عجله تلاوت می فرمود. هرگاه آیه ای می خواند که در آن تسبیح وجود داشت، تسبیح می گفت. و اگر آیه ای می خواند که در آن، سؤال و طلب شده بود، طلب می کرد و اگر از پناه خواستن سخن به میان آمده بود، پناه می خواست؛ سپس رکوع کرد و شروع به گفتن **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** نمود. اندازه رکوعش نیز به ایستادنش بسیار نزدیک بود. **أَنْغَاةَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** گفت و خیلی طولانی، تقریباً به اندازه رکوعش ایستاد. سپس

سجده نمود و سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى گفت. اندازه سجده اش نیز خیلی نزدیک به اندازه قیامش بود. [مسلم]

### بعد از نماز صبح

با طلوع فجر و پس از آرامش شب مدینه، پس از اینکه نماز صبح در مسجد با جماعت خوانده می شد، پیامبر اکرم ﷺ تا طلوع آفتاب به یاد خدا می نشست و سپس دو رکعت نماز می خواند.

جابر بن سمره رضی الله عنه می گوید: هنگامی که نبی اکرم ﷺ نماز صبح را می خواند، سر جایش می نشست تا اینکه خورشید، خوب طلوع کند. [مسلم]

باید دانست که پیامبر خدا ﷺ مردم را به انجام این سنت بزرگ تشویق کرده و اجر و ثواب آن را یاد آوری نموده است .

انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس، نماز صبح را با جماعت بخواند، سپس تا طلوع آفتاب بنشیند، خدا را ذکر کند و آنگاه دو رکعت نماز بخواند، به او به اندازه پاداش حج و عمره ای کامل، اجر می رسد. [ترمذی]



## نماز چاشت

اکنون خورشید، بالا آمده و گرمای آن شدت گرفته است و پرتو خورشید، چهره ها را می سوزاند. هنگام چاشت، فرا رسیده و وقت کار و تلاش است. رسول خدا ﷺ با وجود مسؤلیتهای رسالت و مشغولیتهایی از قبیل: ملاقات با وفدها و نمایندگان قبایل مختلف، آموزش صحابه و ادای حقوق خانواده، باز هم به عبادت خداوند ﷻ می پردازد.

معاذه رضی الله عنها می گوید: به عایشه گفتم: آیا نبی اکرم ﷺ نماز چاشت می خواند؟ گفت: بلی؛ چهار رکعت می خواند و هر چه که خواست خدا بود، بر آنها می افزود. [مسلم]

همچنین نبی اکرم ﷺ به خواندن نماز چاشت توصیه فرمود؛ ابوهیره رضی الله عنه می گوید: محبوبم مرا به روزه گرفتن سه روز از هر ماه، خواندن دو رکعت نماز چاشت و خواندن وتر قبل از خوابیدن، توصیه فرمود. [بخاری و مسلم]

## خواندن نمازهای نفل در خانه

خانه پیامبر اکرم ﷺ خانه ای است که ایمان در آن موج می زند و مالا مال از عبادت و یاد خدا است. نبی اکرم ﷺ به ما توصیه می نماید که خانه های ما اینگونه باشد. چنانکه می فرماید: «بخشی از نمازهایتان را در

خانه هایتان بخوانید و آنها (خانه هایتان) را به قبرستان تبدیل نکنید». [بخاری]

ابن قیم رحمه الله می گوید: رسول خدا ﷺ، عموم سنتها و نوافل غیر ذوات الاسباب بویژه سنتهای نماز مغرب را در خانه اش می خواند. چنانچه روایت نشده که پیامبر اکرم ﷺ سنتهای مغرب را در مسجد بخواند. قابل یادآوری است که خواندن نمازهای نفل در خانه، فوایدی دارد که برخی از آنها عبارتند از: پیروی از سنت پیامبر ﷺ، آموزش کیفیت نماز به زنان و کودکان، رانده شدن شیاطین با یاد خدا و تلاوت قرآن؛ همچنین خواندن نوافل در خانه انسان را به اخلاص، نزدیکتر، و از ریا دور می نماید.

### گریه کردن نبی اکرم ﷺ

مردان و زنان زیادی گریه می کنند، اما چگونه و برای چه؟ پیامبر اکرم ﷺ اگر دنیا را می خواست در اختیارش قرار می گرفت. همچنین خودش را در بالاترین مرتبه بهشت می دید، با وجود این، می گریست. آری! پیامبر خدا ﷺ در عبادتهایش می گریست، هنگام مناجات با پروردگارش در نماز، و هنگام شنیدن قرآن کریم، گریه می کرد. و این خود، دال بر این است که پیامبر خدا ﷺ از رقت قلب بالایی برخوردار بود. باطنی پاک داشت و عظمت و بزرگی الله ﷻ را خوب می دانست و خشیت الهی در سینه اس ریشه دوانده بود. عبدالله بن شخیر رضی الله عنه به نقل از

پدرش می گوید: نزد رسول خدا ﷺ رفتم و دیدم که ایشان نماز می خواند و گریه می کند و از سینه اش صدایی مانند صدای جوشیدن آب در دیگ به گوش می رسد. [روایت ابوداود]

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود: «برایم قرآن بخوان». گفتم: ای رسول خدا! آیا برای شما قرآن بخوانم، در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمود: «من دوست دارم که قرآن را از فرد دیگری بشنوم»؛ سرانجام، سوره نساء را خواندم تا اینکه به این آیه رسیدم: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِدًا﴾ [نساء: ۴۱] یعنی: «و تو را به عنوان گواه بر اینها می آوریم».

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در ادامه می گوید: دیدم که از چشمان رسول الله ﷺ اشک جاری است. [بخاری]

به موهای سفیدی که در فرق سر رسول خدا ﷺ وجود داشت و همچنین چیزی حدود هجده تار موی سفیدی که در محاسن مبارک می درخشید، لحظاتی فکر کن و گوش دل بسپار تا علت سفید شدن این موها را از زبان مبارکش بشنوی.

روزی ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! پیر شدی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مرا سوره های هود، واقعه، مرسلات، عم یتسائلون و إذا الشمس کوّرت پیر کردند». [روایت ترمذی]

## تواضع نبی اکرم ﷺ

اخلاق رسول خدا ﷺ از اخلاق همه مردم بهتر و کاملتر بود. آن حضرت ﷺ نمونه عملی قرآن کریم بود؛ چنانکه عایشه رضی الله عنها می گوید: اخلاق ایشان، قرآن بود. [مسلم]

همچنین شخص رسول خدا ﷺ می فرماید: «همانا من مبعوث شده ام تا ارزشهای اخلاقی را کامل کنم». [روایت احمد]

یکی از دلایل تواضع نبی اکرم ﷺ این است که ایشان، تعریف و تمجید و ستایش را دوست نداشت.

عمر بن خطاب ؓ می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «در مدح و ستایش من افراط نکنید، آنگونه که نصاری در مورد عیسی بن مریم افراط کردند؛ چرا که من، بنده ای هستم؛ پس بگویید: بنده خدا و فرستاده او». [روایت بخاری]

انس ؓ می گوید: تعدادی از مردم گفتند: ای رسول خدا! تو، بهترین ما، فرزند بهترین ما، سرور ما و فرزند سرور ما هستی.. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «ای مردم! گفتن این سخنان اشکالی ندارد، ولی نگاه کنید که شیطان، شما را به دنبال خود نکشاند؛ من، محمد، بنده خدا و فرستاده او

هستم. دوست ندارم برایم منزلتی بالاتر از منزلتی که خداوند ﷻ برایم قایل شده است، قایل شوید. [روایت نسائی]

ملاحظه می کنیم پیامبری که بهترین انسان روی زمین بشمار می رود، همیشه به سوی پروردگارش توبه و انابت می نماید و با غرور و تکبر رابطه ای ندارد؛ بلکه سرآمد تواضع و فروتنی و انکسار در برابر پروردگارش بحساب می آید.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: نزد صحابه هیچکس از رسول خدا صلی الله علیه و آله محبوبتر نبود؛ با این حال، هرگاه صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله را می دیدند، بلند نمی شدند؛ زیرا می دانستند که آن حضرت صلی الله علیه و آله این کار را نمی پسندد. [روایت احمد]

اینک نگاهی به تواضع شگفت انگیز و اخلاق خوب و بی نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله بینداز که در برابر زنی فقیر و مسکین چگونه تواضع و فروتنی می نماید و وقت گرانبها و پرمشغله اش را در اختیارش قرار می دهد.

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: زنی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من، با تو کاری دارم. فرمود: «سر هر راهی از راههای مدینه که خواستی، بنشین؛ من با تو می نشینم (و کارت را انجام می دهم)». [روایت ابوداود]

باید دانست که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در رأس انسانهای متواضع قرار داشت و سرآمد آنها بود؛ ابوهیره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر مرا برای صرف ساعد یا پاچه (گوسفندی) دعوت کنند، خواهم پذیرفت؛

همچنین اگر به من ساعد یا پاچه ای هدیه داده شود، می پذیرم». [روایت بخاری]

از سوی دیگر، انسانهای متکبر باید این سخنان رسول خدا ﷺ را آویزه گوش خویش سازند تا همیشه مانعی برای تکبر و برتری طلبی آنان باشد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به اندازه یک ذره در قلبش تکبر داشته باشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

قابل یادآوری است که تکبر، یکی از راههای جهنم است؛ اگر چه به اندازه یک ذره باشد.

اکنون شما درباره کیفر کسی فکر کنید که با تکبر راه می رود و ملاحظه کنید که چگونه خداوند عز و جل از او ناخشنود و خشمگین می شود و عذاب دردناکش را بر او نازل می فرماید.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «روزی، یک مرد که سرش را شانه زده و لباسی مورد پسند پوشیده بود، قدم می زد و با تکبر راه می رفت؛ ناگهان خداوند، او را در زمین فرو برد. لذا او تا روز قیامت در زمین فرو خواهد رفت». [روایت بخاری و مسلم]

## خدمتگزار نبی اکرم ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در رفتارش با خدمتگزاران، دین، تقوا و اعمالشان را معیار قرار داد، نه شغل و کارشان را. آن حضرت ﷺ در مورد خدمتگزاران و کارگران فرمود: «آنان، برادران شما هستند که خداوند، آنها را زیر دست شما قرار داده است؛ لذا غذایی را که خود شما می خورید، به آنها نیز بدهید و لباسی را که خود می پوشید، به آنها نیز بپوشانید. همچنین آنان را مکلف به کاری نکنید که توان انجام آن را ندارند و اگر آنها را مکلف ساختید، کمک شان کنید». [روایت مسلم]

بعد از این رهنمودها، اندکی درباره خدمتگزاری فکر کن که از آفایش سخنی شگفت انگیز و شهادتی زیبا و تمجیدی گهربار روایت می کند!

آیا تا کنون شنیده اید که خدمتگزاری در مورد آفایش سخنی بر زبان بیاورد که خدمتگزار رسول خدا ﷺ درباره آن حضرت ﷺ بر زبان آورده است؟

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: ده سال در خدمت رسول الله ﷺ بودم. هرگز به من اُف نگفت و هرگز به خاطر کاری که انجام دادم، به من

نگفت: چرا انجام دادی و همچنین به خاطر کاری که انجام ندادم، به من نگفت چرا انجام ندادی؟ [روایت مسلم]

ملاحظه می فرمایید ده سال کامل؛ چند روز و چند ماه نیست. بلکه یک عمر طولانی است که در آن حالتهای مختلفی از قبیل خوشحالی، اندوه، خشم و غضب، حالتهای مختلف روحی و روانی، نگرانی و نیز فقر و توانگری وجود دارد. با وجود همه این حالات، آن حضرت ﷺ که پدر و مادرم فدایش باد، یک بار هم او را سرزنش نکرد و بر سرش فریاد نکشید؛ بلکه به او پاداش می دهد، دلش را به دست می آورد، نیاز او و خانواده اش را برآورده می سازد و برای آنها دعای خیر می نماید.

انس رضی الله عنه می گوید: مادرم گفت: ای رسول خدا! این خدمتگزار توست؛ برایش نزد خداوند دعا کن. فرمود: «خدایا! به مال و فرزندانش بیفزای و در آنچه به او ارزانی داشته ای، برکت عنایت کن». [روایت بخاری]

همچنین با وجود اینکه آن حضرت ﷺ از شجاعت بسیار بالایی برخوردار بود، اما هرگز به کسی توهین نکرد و کسی را به ناحق، کتک نزد و با افرادی که تحت سرپرستیش قرار داشتند، از جمله: همسران و خدمتگزارانش، با خشونت رفتار نکرد. عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ هرگز کسی را با دست خودش، کتک نزد، مگر اینکه در



راه خدا جهاد نماید (که فقط در این حال، کتک می زد)؛ همچنین آن حضرت ﷺ هرگز خدمتگزار و زنی را کتک نزد. [روایت مسلم]

ام المؤمنین رضی الله عنها گواهی اش را برای بهترین انسان روی زمین تکرار می کند و خبر حُسن رفتار و برخورد خوب ایشان در میان کاروانها نیز بر سر زبانهاست؛ تا جایی که کفار قریش نیز برایش گواهی می دهند.

عایشه رضی الله عنها می گوید: تا زمانی که یکی از احکام خدا زیر پا گذاشته نمی شد، هرگز ندیدم که رسول خدا ﷺ به خاطر ستمی که به خودش شده بود، انتقام بگیرد. اما اگر یکی از احکام الهی زیر پا گذاشته می شد، بیش از همه خشمگین می گشت؛ همچنین اگر در میان دو چیز به او حق انتخاب داده می شد، آسانترین آنها را انتخاب می کرد. البته اگر گناه نبود. [روایت بخاری]

نبی اکرم ﷺ مردم را با آواز رسا و آشکارا، به نرمی و بردباری دعوت می داد و می فرمود: «همانا خداوند، نرمی را در تمام کارها دوست دارد». [روایت بخاری و مسلم]

## هدیه و مهمان نوازی

بشر، یک سری نیازهای عاطفی و خواسته های درونی دارد که جامعه، خانواده و خانه، همیشه به آنها نیازمند است. یکی از این امور که دلها را به یکدیگر نزدیک می نماید و کینه ها را ذوب می کند، هدیه است.

عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم ﷺ هدیه را می پذیرفت و به هدیه کننده، در عوض آن، پاداش می داد. [روایت بخاری]

باید دانست که هدیه دادن و نیز تشکر کردن از کسی که هدیه می دهد، دلیل سخای قلب و پاکی اوست. همچنین قابل یادآوری است که سخاوت، یکی از ویژگیهای اخلاقی پیامبران به شمار می رود و پیامبر ما در این میدان از دیگران، سبقت گرفته است. مگر نه اینکه فرموده است: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مهمانش را گرامی بدارد. جایزه اش یک روز است و مهمانش سه روز؛ و بعد از آن، صدقه محسوب می شود و برای مهمان هم جایز نیست که به اندازه ای نزد میزبان بماند که او را به تنگ آورد». [روایت بخاری]

سوگند به خدا که کره زمین، حجاز و شبه جزیره عربستان، بلکه تمام دنیا، اخلاق و صفاتی بالاتر از اخلاق نبی اکرم ﷺ به خود ندیده اند.

اینک چشمانت را با مشاهده یکی از حرکات نبی اکرم ﷺ - که پدر و مادرم فدایش باد - سر مه کن؛ سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: یک زن، پارچه ای خدمت نبی اکرم ﷺ آورد و گفت: این را با دستان خود بافته ام تا به تو هدیه دهم. رسول خدا ﷺ که به آن نیاز داشت، آن را برداشت؛ سپس در حالی که آن را به عنوان ازار (شلوار) پوشیده بود، نزد ما آمد. شخصی گفت: چقدر زیبا است! آن را به من هدیه بده. فرمود: خوب است! آنگاه نبی اکرم ﷺ در مجلس نشست، اما پس از بازگشت (به خانه) آن را پیچید و برای آن مرد فرستاد. مردم به او گفتند: کار خوبی نکردی! پیامبر اکرم ﷺ آن را پوشیده بود و به آن نیاز داشت و با علم به اینکه رسول خدا ﷺ درخواست هیچ سائلی را رد نمی کند، باز هم آن را درخواست نمودی! آن مرد گفت: به خدا سوگند که آن را برای پوشیدن طلب نکردم. بلکه از آن جهت طلب نمودم که کفنم باشد. سهل رضی الله عنه می گوید: سرانجام آن مرد در همان پارچه، کفن گردید.

[روایت بخاری]

آری! از اخلاق کسی که خداوند او را برگزیده، تحت نظارت خویش به تربیت او پرداخته و به عنوان الگو برای مردم معرفی کرده است، تعجب نکنید.

رسول خدا ﷺ در زمینه سخاوت، شگفتی می آفریند. حکیم بن حزام رضی الله عنه می گوید: از رسول خدا ﷺ (چیزی) طلب کردم؛ به من عنایت

فرمود؛ دوباره طلب کردم، باز هم عنایت فرمود؛ برای بار سوم طلب کردم؛ این بار نیز عنایت کرد و فرمود: «ای حکیم! این مال، سرسبز و شیرین (خوشایند) است؛ هر کس با سخاوت نفس آن را بگیرد، برایش در آن برکت عنایت می شود و هر کس با زور و طمع بگیرد، برایش در آن، برکت عنایت نمی شود و مانند کسی می گردد که می خورد و سیر نمی شود؛ باید بدانید که دست دهنده، از دست گیرنده بهتر است».

[روایت بخاری و مسلم]

جابر رضی الله عنه می گوید: هرگز چیزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواست نکردند که بگویند: نه. [روایت بخاری]

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این همه سخاوت و بخشش مالی، از نظر اخلاقی و برخورد خوب با مردم و محبت صادقانه با دیگران، بی نظیر بود.

همواره تبسم بر لبانش نشسته بود و با تمام همنشینانش تبسم می فرمود. از اینرو هر یک از یارانش فکر می کرد که او، محبوبترین فرد در قلب پیامبر صلی الله علیه و آله است.

جریر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: هیچکس را ندیدم که بیشتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله تبسم نماید. [روایت ترمذی]

انس بن مالک، خادم رسول الله صلی الله علیه و آله صفات بزرگی برای آن حضرت صلی الله علیه و آله بیان نموده است که نمی توان برخی از آنها را در یک فرد و یا همه آنها را در مجموعه ای از افراد سراغ داشت. او می گوید:

رسول خدا ﷺ از همه مردم مهربانتر بود؛ هر گاه فردی از ایشان چیزی می پرسید، به سخنان آن شخص گوش فرا می داد و تا هنگامی که آن شخص، بر نمی گشت و نمی رفت، آن حضرت ﷺ با او می ماند. همچنین هر کس، دست مبارکش را می گرفت، دستش را در اختیارش می گذاشت. و تا زمانی که خود شخص، دستش را بیرون نمی کشید، آن حضرت ﷺ دست مبارکش را از دست او بیرون نمی کشید. [روایت ابونعیم در الدلائل]

با این همه مهمان نوازی و مهربانی و سخاوت، در عین حال، هنگام نیاز، شفقت به امت را فراموش نمی کرد؛ از اینرو ملاحظه می کنیم که هنگام دیدن منکر، نهی از منکر می کرد و منکر را نمی پذیرفت.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا ﷺ یک انگشتر طلا در دست شخصی دید، آن را از دستش بیرون آورد و انداخت و فرمود: «آیا یکی از شما اخگری از آتش را قصد می کند و آن را در دستش می گذارد؟» [روایت مسلم]

## شفقت و مهرورزی رسول خدا ﷺ به کودکان

انسانهای سنگدل، شفقت را نمی شناسند و مهر و عاطفه در دلهایشان جایی ندارد. آنها، مانند صخره اند؛ در دادن و گرفتن، سخت اند و از ابراز احساسات و عواطف انسانی، بخل می ورزند.

اما کسی که خداوند به او قلبی مهربان عنایت کرده، رحمت، سراسر وجودش را فرا گرفته و این عاطفه انسانی است که او را به حرکت در می آورد.

انس رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرزندش ابراهیم را برداشت و او را بوسید و بویید. [روایت بخاری]

باید دانست که این شفقت و مهرورزی رسول الله صلی الله علیه و آله ویژه خویشاوندانش نبود؛ بلکه شامل عموم مسلمین نیز می شد.

اسماء دختر عمیس همسر جعفر رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه من شد و فرزندان جعفر رضی الله عنه را صدا کرد، پس دیدم در حالی که اشکهایش سرازیر است، آنها را می بوسید. گفتم: ای رسول خدا! آیا از جعفر به تو خبری رسیده است؟ «فرمود: بله؛ امروز کشته شد».

اسماء رضی الله عنها می گوید: ما با گریه، بلند شدیم؛ سپس آن حضرت صلی الله علیه و آله برگشت و فرمود: «برای خانواده جعفر غذا درست کنید؛ زیرا آنها به این حادثه مشغولند». [روایت ابن سعد، ترمذی و ابن ماجه]

همچنین روزی که نوه رسول الله صلی الله علیه و آله فوت کرد، اشک از چشمان مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله جاری شد. سعد بن عباد رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! این چیست؟ فرمود: «این رحمتی است که خداوند آن را در

دل بند گانش نهاده است و همانا خداوند بر بندگانی که رحم و شفقت داشته باشند، رحم می کند». [روایت بخاری]

همچنین هنگامی که فرزندش ابراهیم فوت نمود، اشک از چشمان آن حضرت ﷺ سرازیر شد؛ عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! شما هم گریه می کنید؟! فرمود: «ای ابن عوف! این، نشانه مهربانی است». و همچنانکه اشک می ریخت، فرمود: «چشمها، اشک می ریزد و دل اندوهگین است، ولی سخنی که موجب نارضایتی خدا شود، به زبان نمی آوریم و ما به خاطر جدایی تو ای ابراهیم! غمگین هستیم». [روایت بخاری]

اینک که با گوشه ای از اخلاق پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله بویژه شفقت و مهربانیش با کودکان آشنا شدیم، شایسته است که ایشان را الگو قرار دهیم. بخصوص که ما، در زمانی زندگی می کنیم که احساس محبت نسبت به کودکان کم شده است و از آن احترامی که باید برخوردار باشند، برخوردار نیستند. باید بدانیم که آنها، پدران و مادران فردا و مردان و زنان آینده امت اسلامی هستند.

متأسفانه نادانی، تکبر، کم فکری و کوتاه نظری، ما را به جایی رسانده است که برخورد صحیح و درستی با کودکان و نوجوانان نداریم. لذا نمی توانیم به دلهایشان راه پیدا کنیم.

ملاحظه می کنیم که چگونه نبی اکرم ﷺ با اخلاق و رفتارش به دلها راه پیدا می کند و طوری برخورد می نماید که کودکان نیز او را دوست دارند، به او احترام می گذارند و جایگاهش را می دانند. آن حضرت ﷺ برای نوجوانان ارزش بسیار بالایی قایل بود.

هرگاه انس رضی الله عنه این صحابی بزرگوار رسول الله ﷺ از کنار کودکان می گذشت، به آنان سلام می کرد و می گفت: نبی اکرم ﷺ این کار را انجام می داد. [روایت بخاری و مسلم]

شما می دانید که کودکان، مشکلات خاص خودشان را دارند و با حرکات و بازی زیاد، باعث خستگی انسان می شوند، اما رسول خدا ﷺ خشمگین نمی شد و آنان را سرزنش نمی کرد؛ بلکه با آنها به نرمی برخورد می کرد و آرامش خویش را حفظ می نمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: مردم، بچه هایشان را نزد نبی اکرم ﷺ می آوردند و آن حضرت ﷺ برای آنان دعای خیر می فرمود. یک روز کودکی را آوردند و او، بر لباس پیامبر خدا ﷺ ادرار کرد. آن حضرت ﷺ مقداری آب بر روی لباسش ریخت، بدون آنکه آن را بشوید. [روایت بخاری]

خواننده گرامی! آیا آن لحظاتی که به نشستن در خانه نبی اکرم ﷺ مشرف می شوی، به فکر خطورت نمی کنی که با فرزندان با بازی و



شوخی کنی و خنده ها و سخنان زیبایشان را بشنوی؟ زیرا پیامبر این امت که پدر و مادرم فدایش باد، همه این کارها را انجام می داد.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله زبانش را برای حسن بن علی رضی الله عنه بیرون می آورد و او، با دیدن زبان آن حضرت صلی الله علیه و آله خوشحال می شد. [سلسلة الأحادیث الصحيحة، شماره ۷۰]

انس رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با زینب دختر ام سلمه رضی الله عنها شوخی می کرد و به او می گفت: ای ژوینب! ای زوینب! و چندین بار این سخنش را تکرار می کرد. [الصحيحة ( ۲۱۴۱ )؛ صحيح الجامع: ۵۰۲۵]

آری! شفقت و مهربانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شامل حال کودکان می شد؛ حتی آن هنگامی که در عبادتی بزرگ بسر می برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال نماز، نوه اش امامه را بر دوش داشت؛ هنگامی که بر می خاست، او را بر می داشت و هنگامی که می خواست سجده کند، او را بر زمین می گذاشت. [روایت بخاری و مسلم]

قابل یاد آوری است که امامه، دختر زینب بنت رسول الله صلی الله علیه و آله است و پدرش، ابوالعاص بن ربیع می باشد.

محمود بن ربیع رضی الله عنه می گوید: خوب به یاد دارم زمانی را که پنج ساله بودم و رسول خدا صلی الله علیه و آله اندکی آب از دلوی برداشت و پس از مضمضه آنها را بر چهره ام پاشید. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین باید دانست که نبی اکرم ﷺ فقط بزرگسالان را آموزش نمی داد؛ بلکه آموزش وی، شامل کودکان و بزرگسالان بود.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: روزی پشت سر نبی اکرم ﷺ بر مرکب سوار بودم که فرمود: «پسرم! چند کلمه به تو می آموزم: (دین) خدا را حفظ کن، خداوند تو را حفاظت خواهد کرد؛ (دین) خدا را حفاظت کن، خداوند را جلویت می بینی (و در کارها به تو کمک می نماید)؛ هرگاه سؤال می کنی، از خداوند سؤال کن و هرگاه طلب کمک می نمایی، از خداوند درخواست کمک نما». [روایت ترمذی]

خواننده گرامی! پس از اینکه لحظاتی را با ویژگیهای اخلاقی و سیرت گهربار نبی اکرم ﷺ سپری نمودیم تا بدین سان حیات و زندگی را به دلهایمان باز گردانیم و در مسیر زندگی، از ایشان پیروی نماییم، باید بدانیم که در خانه های ما، اطفال و کودکانی هستند که به محبت پدر و عاطفه مادر نیاز دارند و قلبهای کوچکشان منتظرند که کسی آنها را خوشحال کند.

قابل یادآوری است که اگر کودکان ما، اینگونه رشد نمایند، عاطفه ای متعادل و اخلاقی درست خواهند داشت و هنگامی که بزرگ شوند، امت را رهبری خواهند کرد. این پدران و مادران هستند که بعد از توفیق الهی، مردان و بانوان بزرگ را تربیت می نمایند.

## صبر و بردباری

زدن و بستن و گرفتن حقوق با زور و اجبار، یکی از ویژگیهای ظالمان و ستمگران است و از آنجا که پیامبر ما ﷺ اصول عدالت و کمک کردن به ستمدیدگان را پایه گذاری نموده است تا هر صاحب حقی به حقش برسد، ما به هیچ عنوان نگران نیستیم که در خانه اش ظلم و ستمی انجام بگیرد یا به حقوق کسی تعدی و تجاوز گردد.

عایشه رضی الله عنها می گوید: هرگز رسول خدا ﷺ هیچکس حتی زن و خدمتگذاری را با دستش کتک نزد مگر اینکه در راه خدا جهاد نماید. (یعنی فقط در جهاد می زد) و هرگز به خاطر خودش از کسی انتقام نمی گرفت مگر اینکه دستورات الهی زیر پا گذاشته می شد که در این صورت به خاطر خداوند انتقام می گرفت. [روایت احمد]

انس رضی الله عنه می گوید: با نبی اکرم ﷺ قدم می زدم. ایشان ردایی نجرانی که حاشیه ای ضخیم داشت، پوشیده بود. در این اثنا، مردی بادیه نشین به آن حضرت ﷺ رسید و ردایش را محکم کشید، طوری که من به گردن نبی اکرم ﷺ نگاه کردم و اثر حاشیه ردا را که به شدت کشیده بود، دیدم؛ سپس آن مرد گفت: دستور بده تا از مال خدا که در اختیار توست، به من هم چیزی بدهند. رسول خدا ﷺ به او نگاه کرد و تبسم فرمود و دستور داد تا به او هم چیزی بدهند. [روایت بخاری و مسلم]

همچنین هنگامی که رسول الله ﷺ از غزوه حنین بر می گشت، تعدادی بادیه نشین به دنبالش آمدند و از او درخواست مال نمودند، تا جایی که آن حضرت ﷺ را مجبور ساختند زیر درختی برود؛ لباس رسول اکرم ﷺ که سوار بر شترش بود، به درخت گیر کرد. آن حضرت ﷺ فرمود: لباسم را به من بدهید. آیا می ترسید که من بخل بورزم؟ سوگند به خدا، اگر به تعداد این درختان بیابانی نعمت داشته باشم، میان شما تقسیم می نمایم. سپس متوجه می شوید که من بخیل، بزدل و دروغگو نیستم.<sup>۱</sup>

باید بدانید که یکی از بهترین شکل‌های تربیت و آموزش خوب، نرمش نشان دادن در همه کارها، شناخت مصلحتها و دفع مفاسد است.

هنگامی که صحابه رضی الله عنهم فردی را دیدند که اشتباه کرد و دچار لغزش شد، به غیرت آمدند و برای باز داشتنش از انجام منکر، مبادرت ورزیدند و این، حق آنها بود؛ اما الگوی صبر و بردباری، رسول خدا ﷺ آنها را به خاطر نادانی آن فرد و پیامدهای ناگوار آن، از بروز هرگونه واکنشی بازداشت.

بطور قطع بهترین شیوه، شیوه رسول خدا ﷺ است.

<sup>۱</sup> روایت بغوی در شرح السنة؛ و آلبنی آن را صحیح دانسته است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: مردی بادیه نشین در مسجد ادرار کرد؛ مردم برخاستند تا او را تنبیه کنند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «او را به حال خود رها کنید و یک سطل آب روی ادرار او بریزید؛ زیرا شما مأموریت دارید که آسان بگیرید، نه سخت.» [روایت بخاری]

از سوی دیگر، جا دارد که صبر و تحمل رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسیر دعوت برای ما اسوه و الگو باشد تا از ایشان پیروی کنیم و به خاطر خودمان از مردم انتقام نگیریم.

عایشه رضی الله عنها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا روزی سخت تر از روز احد بر سر شما آمده است؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «از سوی قومت سختیهای زیادی را متحمل شده ام، اما شدیدترین مشکلی که از سوی آنها با آن مواجه شدم، روز عقبه بود؛ یعنی هنگامی که خودم را به عبدیاللیل بن عبد کلال عرضه کردم و خواسته ام را به او گفتم؛ او خواسته ام را نپذیرفت؛ من که به شدت اندوهگین بودم، به سویی که چهره ام به آن طرف بود، به راه افتادم و هنگامی که به خود آمدم، دیدم در قرن الثعالب هستم. آنجا سرم را بلند کردم، ناگهان چشمم به ابری افتاد که بر سرم سایه انداخته بود. به آن ابر نگاه کردم؛ جبرئیل علیه السلام را در میان آن دیدم. گفت: خداوند، سخنان قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اکنون فرشته کوهها را به سوی تو فرستاده است تا در مورد آنها هر چه می خواهی، به او دستور دهی. سپس فرشته کوهها مرا صدا

زد و سلام کرد و گفت: ای محمد! خداوند، سخنان قومت را شنید؛ من، فرشته کوهها هستم. پروردگارم، مرا به سوی تو فرستاد تا در اختیار تو باشم و هر چه می خواهی، انجام دهم. اگر می خواهی دو کوه سخت مکه را بر آنان فرود می آورم. رسول اکرم ﷺ فرمود: «من امیدوارم که خداوند، از نسل آنان، کسانی را بیاورد که فقط خدا را عبادت کنند و چیزی را با او شریک ن سازند». [روایت بخاری و مسلم]

متأسفانه امروزه بسیاری از مردم در امر دعوت عجله می کنند و می خواهند خیلی زود نتیجه بگیرند؛ در حالی که نبی اکرم ﷺ اینگونه نبود. باید دانست که انتقام گرفتن به خاطر خود در مسیر دعوت، نقص و عیب شمرده می شود. به همین خاطر بسیاری از حرکتهای دچار شکست می شوند؛ زیرا مشکلات فوق دامنگیر افراد آنها می گردد، پس صبر و تحمل کجاست؟

باید بدانیم که نبی اکرم ﷺ با صبر و مبارزه طولانی، پس از سالیان زیاد سرانجام به آرزویش رسید.

و کیف یسامی خیر من وطئ الثری و فی کل باع من علاه قصور  
و کل شریف عنده متواضع و کل عظیم القریتین حقیر

یعنی: «چگونه می توان با شخصی رقابت کرد که بهترین کسی است که روی زمین قدم نهاده و همه جا صحبت از بزرگیهای اوست و هر

انسان بزرگواری، در برابر او متواضع و فروتن می باشد و همه بزرگان مکه و مدینه، در برابر او چیزی نیستند؟»

روزی رسول اکرم ﷺ همراه یارانش در تشیع جنازه ای شرکت داشت؛ در آن اثناء، فردی یهودی به نام زید بن سعه برای طلب قرضش نزد رسول خدا ﷺ آمد و پیراهن آن حضرت ﷺ را گرفت و با چهره ای خشن به سویش نگاه کرد و گفت: ای محمد! آیا قرضم را نمی دهی؟ و با نبی اکرم ﷺ خیلی تند و خشن سخن گفت.

از این حرکت او عمر بن خطاب رضی الله عنه خشمگین شد و در حالی که چشمانش در چهره اش همچون آسیاب می چرخید، گفت: ای دشمن خدا! آیا با رسول خدا ﷺ چنین سخن می گویی و اینگونه رفتای می کنی؟! سوگند به خدا، اگر از سرزنش نبی اکرم ﷺ نمی ترسیدم، سرت را با شمشیرم از تنت جدا می ساختم. اما رسول خدا ﷺ در کمال آرامش به عمر بن خطاب رضی الله عنه نگاه می کرد؛ سپس فرمود: ای عمر! برو و حقش را ادا کن و علاوه بر آن، بیست پیمانہ خرما نیز به او بده.

عمر بن خطاب رضی الله عنه دستور نبی اکرم ﷺ را اجرا کرد و قرضش را به او داد و علاوه بر آن، بیست پیمانہ خرما نیز به آن افزود. در این هنگام زید (یهودی) گفت: ای عمر! اضافه چرا؟ عمر رضی الله عنه گفت: رسول خدا ﷺ به من دستور داد تا در عوض خشم و ناراحتی ات اینها را به تو بدهم. زید گفت: ای عمر! آیا مرا می شناسی؟ عمر رضی الله عنه گفت: نه، تو کیستی؟

او، گفت: من، زید بن سعه هستم. عمر رضی الله عنه گفت: زید بن سعه دانشمند؟!  
گفت: آری؛ عمر رضی الله عنه گفت: چرا با رسول خدا صلی الله علیه و آله آنگونه رفتار کردی و  
آنطور سخن گفتی؟

زید گفت: ای عمر! هنگامی که به چهره ایشان نگاه کردم، همه  
نشانه های نبوت را در چهره اش مشاهده نمودم و از دو ویژگی، خبر  
نداشتم که آیا در او وجود دارد یا نه؟ آن دو ویژگی، عبارتند از اینکه:  
آیا بردباریش از جهل و نادانیش پیشی می گیرد و آیا جهالت با او،  
باعث بردباری بیشترش می شود؟ لذا با این برخورد دو مورد فوق را  
آزمایش کردم. ای عمر! اکنون تو را گواه می گیرم که الله را به عنوان  
پروردگار، و اسلام را به عنوان دین، و محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان پیامبر  
پذیرفتم. همچنین تو را گواه می گیرم که نصف مالم را بر امت محمد صلی الله علیه و آله  
صدقه نمودم.

عمر رضی الله عنه گفت: بر تعدادی از امت محمد صلی الله علیه و آله صدقه کن؛ زیرا مال تو،  
اندک است و تعداد آنها زیاد.

زید گفت: «بر تعدادی از آنها صدقه است».

بدین ترتیب زید یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشت و گفت: «أَشْهَدُ  
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».<sup>۱</sup> یعنی: «گواهی

<sup>۱</sup> حاکم در المستدرک روایت کرده و آن را صحیح دانسته است.



می دهم که هیچ معبود بحتی جز الله وجود ندارد و گواهی می دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست».

ما نیز لحظاتی به این موضع رسول اکرم ﷺ فکر می کنیم تا شاید از تأسی جستن به نبی اکرم ﷺ بهره ای ببریم، در برابر اذیت و آزار مردم صبر کنیم و آنان را با نرمی و بردباری دعوت دهیم و اگر کار نیکی انجام دادند، آنها را تشویق کنیم و روحیه خوشبینی را در دل‌هایشان غرس نماییم.

عایشه رضی الله عنها می گوید: همراه نبی اکرم ﷺ به قصد انجام عمره از مدینه حرکت کردم تا اینکه به مکه رسیدم؛ آنجا گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد. نمازهایم را هم قصر (دو رکعتی) و هم کامل خواندم. همچنین بعضی از روزها روزه گرفتم و بعضی از روزها را روزه نگرفتم؛ (حکم چیست)؟ فرمود: «ای عایشه! خوب کردی و از من انتقاد نکرد». [روایت نسائی]

### غذای رسول الله ﷺ

سفره های رنگارنگ و دیگهای متنوع در خانه های سران و بزرگان و صاحبان قدرت، جابجا می شود. پیامبر این امت، سرزمینهای زیادی را در اختیار دارد و انسانهای زیادی، مطیع و فرمانبردار او هستند و کاروانهای آذوقه از مناطق مختلف نزد وی می آیند. بنابراین فکر

می کنید آب و غذای پیامبر اکرم ﷺ باید چگونه باشد؟ آیا مانند پادشاهان زندگی می کند یا اینکه غذایی بهتر از غذای آنان می خورد؟ آیا غذایش مانند غذای سرمایه داران است یا غذایی کاملتر از غذای آنان میل می نماید؟

آری! از سادگی و کمی غذای رسول خدا ﷺ تعجب نکنید.

انس رضی الله عنه می گوید: اتفاق نیفتاد که نهار و شام پیامبر ﷺ گوشت و نان باشد و آن حضرت ﷺ شکم سیر غذا بخورد، مگر به دشواری. [روایت ترمذی]

نبی اکرم ﷺ، زمانی سیر غذا می خورد که مهمانی نزدش می آمد؛ به خاطر مهمان، غذای خوبی تدارک می دید تا انس و الفت بیشتر گردد و نیکیهای مهمانانش را جبران نماید.

عایشه رضی الله عنها می گوید: اهل بیت محمد ﷺ دو روز پشت سر هم از نان جو سیر نخوردند تا اینکه رسول خدا ﷺ وفات کرد. [روایت مسلم]

و در روایتی دیگر می گوید: از هنگامی که محمد ﷺ وارد مدینه شد، اهل بیتش سه شب پیایی از نان گندم سیر نخوردند تا اینکه آن حضرت ﷺ وفات نمود. [بخاری و مسلم]

بلکه چه بسا رسول خدا ﷺ چیزی برای خوردن نمی یافت و یک لقمه هم نمی خورد و با شکم گرسنه می خوابید. ابن عباس رضی الله

عنهما میگوید: رسول خدا ﷺ و خانواده اش، چون غذایی برای خوردن نداشتند، شبهای متوالی گرسنه می خوابیدند و نان آنها، نان جو بود.

باید دانست که این وضعیت به خاطر قلت و یا نبودن غذا نبود. بلکه اموال زیادی از زیر دست پیامبر خدا ﷺ می گذشت و همانگونه که متذکر شدیم کاروانها نزدش می آمدند، اما خداوند ﷻ کاملترین و بهترین حالت را برای پیامبرش انتخاب نمود.

عقبه بن حارث رضی الله عنه می گوید: روزی نبی اکرم ﷺ نماز عصر را برای ما امامت نمود؛ سپس با عجله وارد خانه اش شد و دیری نگذشت که بیرون آمد. علت را جویا شدند. فرمود: «یک قطعه طلای صدقه، در خانه گذاشته بودم؛ پس ناگوار دانستم که شب در خانه ام بماند. لذا آن را تقسیم نمودم». [مسلم]

قابل یادآوری است که پیامبر این امت ﷺ از سخاوت و بخشش بی نظیری برخوردار بود.

انس رضی الله عنه می گوید: مردی نزد نبی اکرم ﷺ آمد؛ پیامبر اکرم ﷺ یک وادی گوسفند به او عنایت کرد.

آن مرد نزد قومش برگشت و گفت: ای قوم! مسلمان شوید؛ زیرا محمد ﷺ مانند کسی عطا و بخشش می نماید که از فقر نمی ترسد.

[روایت مسلم]

دوستان گرامی! با این همه سخاوت و بخشش، به وضعیت پیامبر این امت بیندیشید. انس رضی الله عنه می گوید: سراغ ندارم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در ظرفهای کوچک و تشریفاتی غذا بخورد یا نان نازک (لواش) برایش پخته شود و یا روی میز نهارخوری غذا میل کند. [بخاری]

عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله نزد من می آمد و می فرمود: نهار داری؟ می گفتم: خیر. می فرمود: «پس من روزه هستم». [مسلم]

همچنین به ثبوت رسیده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله یک ماه و دو ماه را فقط با آب و خرما سپری می کرد. [بخاری و مسلم]

با وجود این کمبود غذا و خوراکی، باز هم ادب اسلامی و اخلاق سترگش، باعث می شود تا از نعمتهای الهی سپاسگزاری نماید و از کسانی که غذا و خوراکی را فراهم ساخته اند، تشکر کند. اگر در درست کردن، اشتباهی صورت می گرفت، آنان را سرزنش نمی کرد؛ چراکه آنان، تلاششان را کرده بودند. به همین خاطر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از غذا عیب نمی گرفت، آشپز را سرزنش نمی کرد، آنچه را که وجود داشت، رد نمی نمود و چیزی را که وجود نداشت، طلب نمی کرد.

آری! آن بزرگوار، پیامبر این امت بود و هم و غمش، شکم و غذایش نبود.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذایی عیب نگرفت؛ اگر مورد علاقه اش بود، تناول می فرمود و در غیر این صورت، رهایش می کرد. [بخاری و مسلم]

اینک برای دوستان گرامی سخن شیخ الاسلام ابن تیمیه را بطور مختصر می آورم؛ وی، می گوید:

درباره نحوه خوردن و لباس پوشیدن، باید گفت که بهترین روش، روش محمد صلی الله علیه و آله است. روش ایشان در نحوه خوردن، این بود که هر چه میسر می شد، اگر اشتهای داشت، تناول می فرمود؛ غذای موجود را رد نمی کرد و برای غذایی که وجود نداشت، تکلف نمی نمود؛ اگر گوشت و نان وجود داشت، می خورد و اگر فقط خرما و یا فقط نان وجود داشت، تناول می کرد. اینگونه نبود که اگر دو نوع غذا وجود داشت، بگوید: من دو نوع غذا نمی خورم. همچنین از خوردن غذا به خاطر لذت و شیرینیش امتناع نمی ورزید.

در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «ولی من، روزه می گیرم و روزهایی را افطار می کنم؛ شب زنده داری می نمایم و می خوابم. با زنان ازدواج می کنم و گوشت نیز می خورم. پس هر کس، از سنت من رویگردانی کند، از من نیست».

خداوند ﷻ به بندگانش دستور داده تا از روزی پاک او بخورند و شکرش را به جا آورند. پس هر کس، حلال خدا را بر خود حلال کند، متجاوز شمرده می شود.

همچنین کسی که سپاس نعمتهای خداوند را به جا نیاورد، در واقع کوتاهی کرده و حق خداوند را ضایع نموده است.

باید دانست که راه رسول خدا ﷺ بهترین و صحیحترین راههاست و کسانی که آن را ترک می کنند، از دو حال خالی نیستند:

یا گروهی هستند که از نعمتهای الهی در حد افراط استفاده می کنند، ولی از انجام واجبات رویگردانی می نمایند.

و یا گروهی هستند که نعمتهای حلال را بر خود حرام می سازند و رهبانیتی را بدعتگذاری می کنند که خداوند، آن را مشروع قرار نداده است؛ باید دانست که در اسلام رهبانیتی وجود ندارد.

ابن تیمیه می افزاید: هر چیز پاکی، حلال، و هر حلالی، پاک است. زیرا خداوند ﷻ اشیای پاک را برای ما حلال، و اشیای ناپاک را برای ما حرام نموده است. همچنین خداوند متعال، هر چیز مضر را برای ما حرام و هر چیز مفید را برای ما حلال قرار داده است.

## دفاع از آبروی دیگران

بهترین مجالس، مجالس علم و ذکر است. پس اگر در این مجلس، برگزیده فرزندان آدم، معلم بشریت، رسول خدا ﷺ با رهنمودهای گهربارش حضور داشته باشد، تصور شما در مورد آن چیست؟

یکی از ویژگیهای مجالس رسول خدا ﷺ که خود دلیلی بر پاکی ضمیر و مجلسش به شمار می رود، این است که وی اشتباه کننده را از اشتباهش باز می داشت، نادان را آموزش می داد، غافل را آگاه می ساخت و در مجلسش تنها خیر و نیکی را می پذیرفت. همچنین اگر سکوت می کرد و به سخنان دیگران گوش فرا می داد، غیبت کردن را نمی پذیرفت و سخن چینی و تهمت را انکار می نمود. بدین ترتیب از آبروی دیگران دفاع می کرد.

عتبان بن مالک رضی الله عنه می گوید: روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخاست تا نماز بخواند. پس پرسید: «مالک بن دخشم کجاست؟»

شخصی گفت: او، فرد منافقی است که خدا و رسولش را دوست ندارد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین مگو؛ آیا نمی بینی که او به خاطر رضای خداوند، لا إله إلا الله گفته و همانا خداوند، آتش را بر کسی که به خاطر رضای او لا إله إلا الله بگوید، حرام ساخته است». [بخاری و مسلم]

همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از گواهی دروغ بر حذر می داشت.

ابوبکر رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره باخبر نسازم؟» گفتیم: بلی ای رسول خدا! فرمود: «شُرک به خدا و نافرمانی والدین». آن حضرت صلی الله علیه و آله که بیشتر تکیه داده بود، نشست و فرمود: «آگاه باشد که شهادت دروغ هم یکی از گناهان کبیره است». و آنقدر این جمله را تکرار نمود که ما گفتیم: ای کاش! سکوت می کرد. [بخاری و مسلم]

آن حضرت صلی الله علیه و آله با آنکه ام المؤمنین، عایشه رضی الله عنها را بسیار دوست داشت، اما غیبت کردن را از ایشان نپذیرفت و خطر بزرگ غیبت را به ایشان گوشزد فرمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: به نبی اکرم صلی الله علیه و آله گفتم: همین عیب صغیه برایت کافی است که چنین و چنان (قد کوتاه) است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سخنی به زبان آوردی که اگر با آب دریا درآمیزد، آن را آلوده می سازد». [ابوداود]

همچنین نبی اکرم صلی الله علیه و آله به کسی که از آبروی برادرانش دفاع نماید، بشارت داده و فرموده است: «هر کس، در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع نماید، بر خداوند واجب است که او را از آتش آزاد سازد». [روایت

احمد]



## کثرت ذکر خداوند متعال

مربی اول، پیامبر این امت، محمد مصطفی ﷺ، بهره وافری از عبادت و ارتباط قلبی با خداوند ﷻ داشت. او، نمی گذاشت که لحظه ای از وقتش، بدون ذکر و سپاس خداوند و استغفار، سپری شود. با وجودی که گناهان گذشته و آینده اش مغفرت شده بود، اما وی، بنده ای شاکر و سپاسگزار بود. او، جایگاه پروردگارش را خوب شناخته بود؛ لذا به دعا و نیایش می پرداخت. همچنین ارزش لحظات زندگی را می دانست؛ از اینرو از وقتش خوب استفاده می کرد و آن را در راه طاعت و عبادت، سپری می نمود.

عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ در هر حال به یاد خدا بود. [روایت مسلم]

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: ما می شمردیم که رسول الله ﷺ در یک مجلس، صد بار می گفت: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». [روایت ابو داود]

یعنی: «پروردگارا! مرا مغفرت کن و توبه ام را بپذیر؛ همانا تو، توبه پذیر و مهربانی».

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند، من روزانه بیش از هفتاد بار از خداوند طلب مغفرت کرده، توبه می نمایم». [روایت بخاری]

ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها می گوید: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله نزد من بود، بیشترین دعایش این بود که: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». [روایت ترمذی] یعنی: «ای گرداننده دلها! دلم را بر دینت استوار نگاه دار».

## همسایه

چه نیکوست همسایگی رسول الله صلی الله علیه و آله ! همسایه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از جایگاه والایی برخوردار بود؛ تا جایی که فرمود: «جبرئیل عليه السلام (الطَّيِّبُ) همچنان مرا در مورد همسایه توصیه می کرد تا آنجا که فکر می کردم او را شریک میراث قرار می دهد». [روایت بخاری و مسلم]

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد همسایه به ابوذر رضی الله عنه توصیه کرد و فرمود: «ای ابوذر! هرگاه شوربایی تهیه کردی، آتش را زیاد کن و به همسایگانت توجه داشته باش». [روایت مسلم]

همچنین نبی بزرگوار اسلام ﷺ مردم را از اذیت و آزار همسایه برحذر داشت و فرمود: «هر آنکس که همسایه اش، از اذیت و آزار وی در امان نباشد، وارد بهشت نمی شود». [روایت مسلم]

مبارک و خجسته باشد بر همسایه که نبی اکرم ﷺ درباره اش فرموده است: «هر کس، به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه اش نیکی کند». [روایت مسلم]

### برخورد خوب

عایشه رضی الله عنها می گوید: هر گاه رسول خدا ﷺ اطلاع می یافت که فلان شخص، سخنی ناشایست بر زبان آورده است، نمی گفت: چرا فلانی چنین گفته است؛ بلکه (بدون ذکر نام آن شخص) می فرمود: «چرا برخی از مردم چنین و چنان می گویند؟» [روایت ترمذی]

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: مردی که رنگ زرد به چهره اش زده بود، نزد رسول خدا ﷺ شرفیاب شد. کم اتفاق می افتاد که آن حضرت ﷺ با شخصی ملاقات نماید که در چهره اش چیزی ناشایست (اثری خلاف شریعت) باشد؛ لذا رسول خدا ﷺ پس از رفتن آن شخص، فرمود: «چه خوب بود اگر به این شخص دستور می دادید که آن رنگ را از چهره اش بشوید». [روایت ابوداود و احمد]

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «آیا به شما نگویم که آتش جهنم بر چه کسی حرام است؟ آتش، بر هر شخصی که با مردم

ارتباط نزدیکی داشته و آسانگیر، متواضع و نرم خوی باشد، حرام است». [روایت ترمذی]

## ادای حقوق

باید دانست که حقوق زیادی بر عهده انسان است؛ حقوق خداوند، حقوق خانواده، حقوق نفس و حقوق بندگان. فکر می کنید رسول خدا ﷺ چگونه برای وقتش برنامه ریزی نمود و از لحظات زندگی استفاده کرد؟

انس رضی الله عنه می گوید: سه نفر به حجره های نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و درباره عبادت ایشان پرسیدند؛ هنگامی که از میزان عبادت آن حضرت صلی الله علیه و آله مطلع شدند، گویا آن را اندک شمردند و گفتند: ما، کجا و نبی اکرم کجا؟! گناهان گذشته و آینده وی بخشیده شده است. لذا یکی از آنان گفت: من، تمام شب به عبادت می پردازم. دیگری گفت: من، همیشه روزه می گیرم و هیچ روزی را بدون روزه سپری نمی کنم. سومی گفت: من، عزلت و گوشه نشینی را انتخاب می نمایم و هرگز ازدواج نمی کنم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه از این موضوع اطلاع یافت، نزد آنان رفت و فرمود: «شما همان کسانی هستید که چنین گفته اید؟ من، بیش از همه شما از خدا می ترسم و تقوای بیشتری دارم؛ ولی در عین حال، بعضی از روزها را روزه می گیرم و برخی دیگر را روزه نمی گیرم.

پاسی از شب را نماز می خوانم و قسمتی از آن را می خوابم؛ همچنین با زنان ازدواج می نمایم. پس هر کس، از سنت و روش من رویگردانی کند، از من نیست». [بخاری و مسلم]

### شجاعت و صبر رسول خدا ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بهره زیادی از شجاعت داشت و از آن در جهت گسترش دین و به اهتزاز درآوردن پرچم یکتاپرستی بخوبی استفاده نمود.

آری! رسول رحمت ﷺ از نعمتهایی که خداوند به وی عنایت کرده بود، بجا و درست استفاده کرد.

عایشه صدیقه همسر گرامی نبی اکرم ﷺ می گوید: رسول خدا ﷺ جز هنگام جهاد در راه خدا، هیچکس را کتک نزد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ هرگز خدمتگزاران و همسرانش را کتک نمی زد. [روایت مسلم]

یکی از بارزترین دلایل شجاعت وی، این است که دعوتش را به تنهایی آغاز کرد و در برابر کفار و سرداران قریش مقاومت نمود تا اینکه خداوند، او را پیروز گردانید. رسول خدا ﷺ هیچگاه نگفت: من، تنهایم و همه مردم در برابرم ایستاده اند؛ بلکه بر خداوند ﷻ توکل نمود و مردم را آشکارا به دین خدا فرا خواند. وی، شجاعترین مردم بود و از

همه آنان، قاطعیت بیشتری داشت. در مواضعی که سایر مردم، فرار می کردند، او، ثابت قدم می ماند.

نبی اکرم ﷺ سالها در غار حرا به عبادت پرداخت؛ بدون اینکه مورد تعرض و اذیت و آزار قرار بگیرد، اما به محض اینکه دعوت توحید را آشکار ساخت و مردم را به یکتاپرستی فرا خواند، همه کفار، او را هدف قرار دادند و با تعجب گفتند: ﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا﴾ [ص: ۵]

یعنی: «آیا او، به جای این همه خدا، به خدای واحدی معتقد است؟»  
 آنان، بتها را واسطه قرار می دادند؛ چنانچه خداوند ﷻ به نقل قول از آنان می فرماید: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [زمر: ۳]  
 یعنی: «ما، بتها را صرفاً بدین خاطر عبادت می کنیم که ما را به خداوند نزدیک گردانند».

مشرکین، توحید ربوبیت را قبول داشتند. خداوند متعال، می فرماید:  
 ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَن خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ [لقمان: ۲۵]  
 یعنی: «اگر از مشرکین سؤال کنی که آسمانها و زمین را چه کسی آفریده است، حتماً در جواب می گویند: الله».

برادر مسلمانم! بد نیست در اینجا نگاهی به اوضاع امروزی مسلمانان بیندازیم.

ملاحظه می کنیم که چگونه به دام شرک افتاده اند؛ عده ای مردگان را صدا می زنند، برخی به آنان توسل می جویند، برای آنان نذر می کنند، از آنان می ترسند و به کمک آنها امیدوارند، تا جایی که ریسمان ارتباط آنان با خداوند ﷻ قطع شده است و مردگان را به منزله خداوند زنده و جاویدان قرار داده اند: ﴿إِنَّهُم مِّنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ

اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ﴾ [مائده: ۷۲]

یعنی: «هر کس به خدا شرک ورزد، خداوند، بهشت را بر او حرام می نماید و جایش در آتش است».

اکنون که سخن از شجاعت به میان آمد، کوه احد در سمت شمال، نگاهمان را از داخل خانه به سوی خود جلب می کند؛ همان جایی که نبرد سنگین میان اسلام و کفر رخ داد.

پیامبر اکرم ﷺ در این جنگ به شدت مجروح گردید، چهره مبارکش خونین شد، دندانهایش شکست و از ناحیه سر به شدت آسیب دید و بدین سان صبر و ثبات و شجاعتش در این نبرد سنگین، به نمایش درآمد و هویدا گردید.

سهل بن سعد رضی الله عنه از آن روز بزرگ و از زخمی شدن نبی اکرم ﷺ سخن به میان آورد و گفت: به خدا سوگند، من می دانم که چه کسی زخم رسول خدا ﷺ را شستشو می داد و چه کسی آب می ریخت و

زخم آن حضرت ﷺ با چه چیزی مداوا گردید. علی بن ابی طالب رضی الله عنه آب می ریخت و فاطمه رضی الله عنها زخم را شستشو می داد. هنگامی که فاطمه رضی الله عنها متوجه شد آب، باعث افزایش خونریزی می شود، قطعه ای حصیر برداشت و آن را سوزاند و بر زخم گذاشت. در نتیجه، خونریزی متوقف شد. [روایت مسلم]

عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه رسول الله ﷺ را در نبرد حنین چنین توصیف می نماید: هنگامی که مسلمانان پشت کردند و برگشتند، نبی اکرم صلی الله علیه و آله همچنان مرکبش را به سوی کفار می راند. من که افسار مرکبش را به دست داشتم، سعی می نمودم که آن را نگه دارم تا به سرعت پیش نرود. در این اثنا نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

أنا النبی لا کذب      أنا بن عبدالمطلب

یعنی: «من، پیامبری هستم که دروغ نمی گوید؛ من، فرزند عبدالمطلب هستم». [روایت مسلم]

آری! علی بن ابی طالب رضی الله عنه، آن شهسوار شجاع، صاحب مواقف و وقایع معروف و مشهور، در مورد رسول الله ﷺ می گوید: هنگامی که تنور جنگ داغ می شد و جنگ تن به تن، آغاز می گردید، به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه می بردیم. پس آن حضرت صلی الله علیه و آله از همه ما به دشمن نزدیکتر بود. [شرح السنه؛ نکا: صحیح مسلم ۱۴۰۱/۳]



صبر رسول خدا ﷺ در امر دعوت، مثال زدنی است و الگویی نیکو برای ما به شمار می رود. تا آنجا که خداوند ﷻ، پرچم این دین را به اهتزاز در آورد و سپاه اسلام، شبه جزیره عربستان و ماوراءالنهر را زیر پا گذاشت و اسلام وارد شهرها و روستاهای مختلف این دیار گردید.

رسول الله ﷺ می فرماید: «زمانی که هیچکس ترسانده نمی شد، من به خاطر خدا ترسانیده شدم و زمانی که هیچکس اذیت و آزار نمی شد، من به خاطر خداوند اذیت و آزار شدم. سی شبانه روز می گذشت و من و بلال غذایی نداشتیم که موجود زنده ای آن را بخورد مگر چیز اندکی که زیر بغل بلال جای می گرفت». [روایت ترمذی و احمد]

### دعای رسول خدا ﷺ

باید دانست که دعا، عبادت بزرگی است و نباید از غیر خدا کمک بخواهیم و یا فریادخواهی نماییم. همچنین انسان هنگام دعا کردن، در واقع، نیازمند بودنش را به الله متعال ابراز می دارد و با زبان حال می گوید: من، هیچ قدرت و توانی ندارم.

این، بندگی و عجز بشر را می رساند. از سوی دیگر دعا در واقع، حمد و ثنای پروردگار و نسبت دادن جود و کرم به ذات باری تعالی است. به همین خاطر رسول الله ﷺ فرمود: «دعا، عبادت است». [روایت

رسول خدا ﷺ بسیار دعا می کرد و نزد پروردگارش تضرع و زاری می نمود و در بارگاه خداوند متعال اظهار نیاز می کرد و در دعاهایش از کلمات پرمحتوا و جامع استفاده می نمود.

اینک برخی از دعاهایش:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أُمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ  
الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ  
زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ». [روایت  
مسلم]

یعنی: «خدایا! دینم را که باعث نجات از آتش جهنم و دنیایم را که حیات و زندگی من در آنست و آخرتم را که منزلگاه من است، خوب و نیکو بگردان و زندگی ام را باعث افزایش نیکیهایم و مرگم را باعث رهایی ام از همه بدیها قرار بده».

«اللَّهُمَّ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهَ وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا أَوْ أُجْرَهُ إِلَيَّ مُسْلِمًا». [روایت ابوداود]

«پروردگارا! ای دانای پیدا و پنهان! ای آفریننده آسمان و زمین! ای پروردگار و مالک همه چیز! گواهی می دهم که هیچ معبود به حقی، جز تو نیست؛ از شر شیطان و دام فرییش به تو پناه می برم و از اینکه مرتکب کار بدی شوم و یا به مسلمانی، بدی برسانم، به تو پناه می برم».

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».

[روایت ترمذی]

یعنی: «خدایا! مرا با رزق حلال، کفایت کن و رزق حرام نصیبم مگردان و با فضل خود، مرا از دیگران بی نیاز بفرما».

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَلْحِقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى». [بخاری و مسلم]

یعنی: «خدایا! مرا مغفرت کن؛ به من رحم نما و مرا به رفیق اعلیٰ ملحق ساز».

رسول خدا ﷺ در سختی و آسانی، بسیار دعا می کرد و دست نیازش را به درگاه پروردگارش دراز می نمود.

رسول اکرم ﷺ روز جنگ بدر آنقدر برای پیروزی مسلمانان و شکست کفار دعا کرد که ردایش از بالای شانه هایش افتاد. همچنین آن حضرت ﷺ برای خودش، اهل بیتش و نیز برای سایر مسلمانان دعا می نمود.

## پایان ملاقات

پس از اینکه گوشه‌های ما با سخنان گهربار، سیرت عطرآگین و نیز با شنیدن جهاد و صبر طولانی رسول الله ﷺ نوازش شد، برای کامل شدن خیر و حرکت کردن در راه راست، باید بدانیم که آن حضرت ﷺ حقوقی بر امتش دارد که برخی از آنها عبارتند از:

ایمان آوردن به ایشان با گفتار و کردار؛ تصدیق تمام آنچه که از جانب خداوند ﷻ آورده است؛ فرمانبرداری از آن حضرت ﷺ و پرهیز از نافرمانی وی؛ داور قرار دادن او و رضایت داشتن به داوری اش؛ شناخت مقام و منزلتش بدون افراط و تفریط؛ الگو قرار دادن وی در تمام کارها؛ او را بیش از همه مردم دوست داشتن؛ احترام گذاشتن به وی؛ دفاع از سنتهایش و احیا نمودن آنها در میان مردم؛ دوست داشتن یارانش و نیز مطالعه سیرت آنان و دفاع از آنها.

خداوند ﷻ می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ<sup>ع</sup>

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلَواتٌ عَلَيْهِ وَسَلَامٌ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

یعنی: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می فرستند. ای کسانی

که ایمان آورده اید! بر محمد ﷺ سلام و درود بفرستید.»

همچنین نبی اکرم ﷺ می فرماید: «یکی از بهترین روزهای شما، روز جمعه است؛ در همین روز، آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ آفریده شد و در همین روز، در صور دمیده می شود و انسانها بیهوش می گردند. لذا در این روز بر من بسیار درود نفرستید؛ زیرا درود شما بر من عرضه می شود». فردی گفت: ای رسول خدا! چگونه درود ما، بر شما عرضه می گردد؛ حال آنکه شما در قبر کهنه و فرسوده شده اید؟

آن حضرت ﷺ فرمود: «خداوند، خوردن اجساد پیامبران را بر زمین حرام کرده است». [ابو داود و ابن ماجه و تصحیح آلبنی]

لذا امت محمد ﷺ نباید نسبت به این پیامبر رحمت بخل بورزد؛ چراکه نبی اکرم ﷺ می فرماید: «بخیل، کسی است که مراندش یاد کنند و بر من درود نفرستد». [روایت ترمذی]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر گروهی که در جایی بنشینند و خدا را یاد نکنند و بر پیامبرشان درود نفرستند، نشست آنان، باعث حسرت و ندامت خواهد شد؛ لذا اگر خداوند بخواهد، آنها را عذاب می دهد و اگر بخواهد، آنان را می آمرزد». [روایت ترمذی]

## لحظات خداحافظی

در حالی این خانه مالا مال از ایمان و سرشار از اطاعت و بندگی را ترک می کنیم که سنت رسول الله ﷺ به عنوان چراغی بر فراز راه کسانی که به دنبال نجات و هدایت هستند، برای ما نورافشانی می نماید و باقی می ماند.

در اینجا لحظاتی را با علمای سلف و علاقه ای که به پیروی از سنت رسول الله ﷺ داشتند، سپری می کنیم؛ شاید خداوند به ما نیز توفیق تأسی و اقتدا عنایت فرماید.

امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمه الله می گوید: هیچ حدیثی را ننوشتم مگر اینکه به آن عمل نمودم تا اینکه به این حدیث رسیدم که نبی اکرم ﷺ حجامت کرد و به ابوطیبه یک دینار داد. از اینرو من نیز حجامت نمودم و به حجامتگر یک دینار دادم. [السیر: ۱۱/۲۱۳]

از عبدالرحمن بن مهدی نقل است که سفیان می گفت: هر حدیثی که از رسول الله ﷺ به من رسیده، برای یک بار هم که شده، به آن عمل نموده ام.

مسلم بن یسار می گوید: در عین حال که بیرون آوردن کفشها برایم راحت تر است، من با آنها نماز می خوانم و با این کارم هدفی جز عمل به سنت ندارم. [السیر: ۷/۲۴۲؛ الزهد: ۳۳۵ تألیف احمد بن حنبل]

در پایان، حدیثی بزرگ به برادران عزیزم تقدیم می نمایم؛ رسول الله ﷺ فرموده است: «همه امتیانم وارد بهشت می شوند مگر کسی که انکار کند».

صحابه ﷺ عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی انکار می کند؟ فرمود: «هر کس، از من اطاعت نماید، وارد بهشت می شود و هر کس از من نافرمانی کند، در حقیقت انکار نموده است». [روایت بخاری]

خدایا! محبت پیامبر و هدایت و راه ایشان را نصیبمان فرما.

الهی! ما را گمراه و گمراه کننده مگردان.

پروردگارا! تا زمانی که شب و روز جریان دارند و به اندازه ای که انسانهای نیکوکار محمد ﷺ را یاد می کنند، بر او درود بفرست.

بارخدایا! همنشینی ایشان را در فردوس اعلی به ما عنایت کن.

بارالها! چشمان ما را با دیدن آن حضرت ﷺ و نوشیدن جرعه ای از حوض کوثرش روشن گردان تا هرگز بعد از آن تشنه نشویم.

وصلی الله علی نبینا محمد و آله و أصحابه أجمعین